

جایزه ادبی و تاریخی  
بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی

**محمد رضا باطنی**



جمعه، ۱۸ مهرماه ۱۳۹۹

باغ موقوفات دکتر محمود افشار یزدی - کانون زبان پارسی



## شورای تولیت

### متولیان مقامی

رئیس مجلس - رئیس دیوان عالی کشور - وزیر فرهنگ (وزیر آموزش و پرورش)  
وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی) - رئیس دانشگاه تهران (یا معاونان اول  
هر یک از این پنج مقام) (طبق ماده ۲ و قفنامه)

### متولیان منصوص

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس شورا) - دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی (جانشین: دکتر محمد اسلامی) -  
سید محمود دعایی (نایب رئیس) - دکتر احمد میر (بازرس) - ساسان دکتر افشار - آرش افشار (بازرس)

### موسسه فرهنگی هنری دکتر محمود افشار

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس هیأت مدیره) - دکتر محمد افشین وفایی (مدیر عامل) - آرش افشار (بازرس)

### هیأت گزینش کتاب و جوایز

دکتر سید مصطفی محقق داماد - دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی - دکتر ژاله آموزگار -  
دکتر جلال خالقی مطلق - دکتر حسن انوری - دکتر فتح الله مجتبابی - دکتر محمود امیدسالار -  
کاوه بیات - دکتر محمد افشین وفایی (مدیر انتشارات)

### درگذشتگان

دکتر مهدی آذر - حبیب الله آموزگار - دکتر جمشید آموزگار - ایرج افشار، سرپرست عالی و بازرس (منصوب واقف، از  
۱۳۶۳-۱۳۸۹) - مهربانو دکتر افشار - مهندس نادر افشار - بهروز افشار یزدی - دکتر سید جعفر شهیدی، رئیس هیأت  
مدیره (از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳) - دکتر جواد شیخ الاسلامی - اللهیار صالح - دکتر منوچهر مرتضوی - دکتر اصغر مهدوی  
- دکتر یحیی مهدوی - دکتر علی محمد میر - دکتر محمد علی هدایتی

با سپاس از کسانی که در تهیه این کتابچه صمیمانه همکاری کردند؛  
به‌ویژه آقایان دکتر مهدی فیروزیان، دکتر پیمان فیروزبخش، محسن طالبی آبکناری و علی دهباشی

**محمد افشین وفايي**

## مقررات مربوط به جایزه‌های ادبی و تاریخی

### ماده ۳۴ و قفنامه اول

چنانچه درآمد موقوفات به مقدار قابل‌افزایش یابد واقف یا شورای تولیت می‌تواند علاوه بر تألیف و ترجمه و چاپ کتب، مبلغی از آن را تخصیص به جوایز برای تشویق دانشمندان، دانش‌پژوهان، نویسندگان و شاعران بدهند، بالاخص برای بهترین نویسندگان و شاعران در مجله آینده. بنابر این باید شعرا و نویسندگان را به سرودن اشعار و تصنیف قطعات نظم و نثر وطنی و ملی و اجتماعی، طرح اقتراحات و مسابقه‌ها و دادن جوایز از درآمد موقوفات تشویق و ترغیب نمود. تشخیص این امور در زمان حیات با واقف است که با مشورت دوستان مطلع خود انجام می‌دهد، سپس با هیأت شش نفره است که دو سوم از متولیان و یک سوم از هیأت‌مدیره شرکت مطبوعاتی آینده یا هر کس را که آنها و اینها به جایشان معین کنند، مرگب خواهد بود.

### ماده ۵ و قفنامه پنجم

به سبب انحلال شرکت مطبوعاتی آینده آنچه در مورد تشخیص امور مربوطه بدان جوایز طبق ماده ۳۴ و قفنامه اول مورخ دی ماه ۱۳۳۷ به عهده آن شرکت محول بوده از میان رفته و انجام آن امور منحصرأ به عهده واقف و سپس شورای تولیت است که می‌توانند از اهل بصیرت یاری بخواهند.

### یادداشت واقف

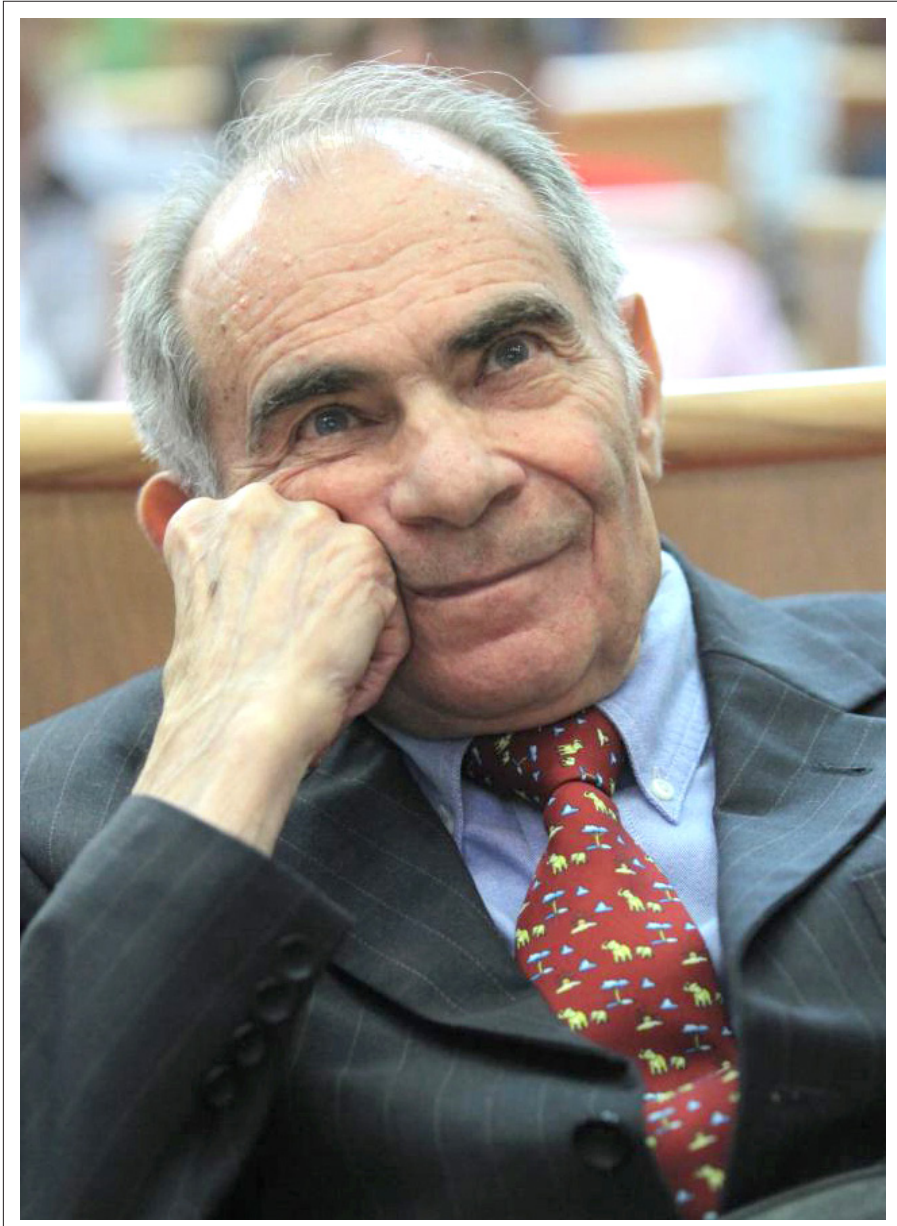
جوایزی که در این موقوفات تعیین شده نیز مانند سایر امور آن پیرامون هدف آن است، تکمیل وحدت ملی به وسیله زبان فارسی یعنی کتب و رسالات و مقالات و اشعاری که در پیرامون این هدف نوشته شود، خواه به زبان فارسی، خواه به زبان‌های دیگر، خواه به وسیله ایرانیان یا ملل دیگر، خواه در خود ایران، خواه در خارج می‌تواند نامزد دریافت جایزه گردد. برای این کار آیین‌نامه‌ای باید تهیه شود، اجمالاً اصول آن را یادداشت می‌کنم.

دکتر محمود افشار

گراس، ۷۸/۸/۴ [۱۹]

## جایزه‌های داده‌شده و تاریخ اعطای آنها

دانشمند هندی، استاد دانشگاه علیگره	نذیر احمد	۱۳۶۸/۹/۲۸ (۱)
دانشمند ایرانی، استاد دانشگاه فردوسی (مشهد)	غلامحسین یوسفی	۱۳۶۹/۹/۲۸ (۲)
دانشمند مصری، استاد دانشگاه عین شمس (قاهره)	امین عبدالمجید بدوی	۱۳۶۹/۷/۳۱ (۳)
دانشمند ایرانی، از مؤسسه لغتنامه دهخدا	سید محمد دبیرسیاقی	۱۳۷۱/۹/۲۸ (۴)
دانشمند پاکستانی، استاد دانشگاه پنجاب (لاهور)	ظهورالدین احمد	۱۳۷۱/۹/۲۸ (۵)
دانشمند چینی، استاد و رئیس بخش فارسی دانشگاه پکن	جان هون‌نین	۱۳۷۷/۲/۱۲ (۶)
دانشمند تاجیکستانی، استاد و متخصص ادبیات فارسی (دوشنبه)	کمال‌الدین عینی	۱۳۷۷/۱۲/۲۲ (۷)
دانشمند ایرانی، استاد دانشگاه تهران	منوچهر ستوده	۱۳۷۹/۱۲/۱۱ (۸)
دانشمند انگلیسی، استاد دانشگاه منچستر	کلیفورد ادموند باسورث	۱۳۸۰/۷/۱۴ (۹)
دانشمند ایرانی، استاد دانشگاه تهران	عبدالحسین زرین‌کوب	۱۳۸۲/۶/۲۴ (۱۰)
سخنسرای نامور ایرانی	فریدون مشیری	۱۳۸۲/۶/۲۴ (۱۱)
دانشمند ژاپنی، استاد ممتاز دانشگاه مطالعات خارجی توکیو	تسونه‌توکورو یاناگی	۱۳۸۲/۹/۱ (۱۲)
دانشمند آمریکائی، استاد زبان فارسی دانشگاه هاروارد	ریچارد نلسون فرای	۱۳۸۳/۴/۲ (۱۳)
دانشمند هلندی، استاد زبان فارسی دانشگاه لیدن	هانس دو بروین	۱۳۸۵/۳/۱۰ (۱۴)
دانشمند افغانستانی، پژوهشگر و مصحح متون عرفانی	نجیب مایل هروی	۱۳۸۵/۹/۲۸ (۱۵)
دانشمند فرانسوی، استاد دانشگاه پاریس	شارل هانری دوفوشه‌کور	۱۳۸۶/۳/۳۰ (۱۶)
دانشمند ایرانی، استاد دانشگاه تهران	بدرالزمان قریب	۱۳۸۷/۱۰/۸ (۱۷)
دانشمند اتریشی، استاد دانشگاه‌های آلمان و اتریش	برت گ. فراگنر	۱۳۸۹/۳/۲۰ (۱۸)
دانشمند ایرانی، کتابشناس و فهرست‌نگار برجسته	احمد منزوی	۱۳۹۰/۲/۲۲ (۱۹)
دانشمند ایتالیائی، استاد دانشگاه رم	آنجلو میکله پیه‌مونتسه	۱۳۹۰/۹/۱۲ (۲۰)
دانشمند ایرانی	احمد اقتداری	۱۳۹۲/۹/۲۸ (۲۱)
دانشمند ایرانی	محمدعلی موحد	۱۳۹۳/۹/۲۸ (۲۲)
سخنسرای نامور ایرانی	امیرهوشنگ ابتهاج (سایه)	۱۳۹۵/۷/۱۰ (۲۳)
دانشمند فرانسوی، استاد دانشگاه پاریس	ژیلبر لازار	۱۳۹۶/۴/۱۳ (۲۴)
دانشمند ایرانی، استاد دانشگاه تهران	علی اشرف صادقی	۱۳۹۷/۳/۲۹ (۲۵)
دانشمند ژاپنی، استاد دانشگاه توکائی	یوشیفوسا سکی	۱۳۹۸/۳/۲۴ (۲۶)
دانشمند ایرانی، استاد دانشگاه تهران	محمدرضا باطنی	۱۳۹۹/۷/۱۸ (۲۷)



*Mohammad Reza Bateni*

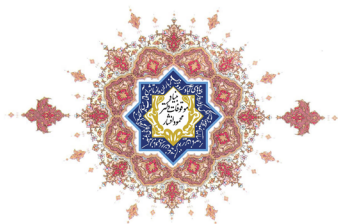
محمد رضا باطنی



اهداشده به دانشمند ایرانی، دکتر محمدرضا باطنی

قالیچه ایریشمی، به ابعاد ۲۲۰×۱۴۳ سانتی متر، یا ۱۳۰۰×۲۰۰۰ گره؛  
و با استفاده از ۹۵ درصد مواد طبیعی از منطقه تودشک و جوشقان، طراحی و بافت در نائین، کارگاه داوود زمانی نائینی





## به نام پروردگار

دانشمند گرامی آقای دکتر محمد رضا باطنی

چون شما به عنوان دانشمندی زبان شناس تاکنون سابقه بیش از نیم قرن مطالعه و تحقیق در زمینه ریشه تخصصی خویش را دارید و از آنجا که شما با کوشش چندین ساله در راه تدوین و تألیف مجموعه سترک فرینکس های انگلیسی به فارسی پویا هم خدمتی ارزنده به زبان فارسی کرده اید. هم دانش فرینکس نویسی دو زبان برای زبان فارسی را ارتقا بخشیده اید و چون شما با نگاشتهای تازه به دستور زبان به بررسی انتقادی دستورهای سنتی زبان فارسی پرداخته اید و شیوه های نوینی در دستور نویسی مطرح ساخته اید و در بوی کردن دانش معنا شناسی در ایران نیز نقشی پر رنگ ایفا کرده اید و از آن رو که مقالات متعدد شما در شمار نخستین مقالات علمی به زبان فارسی است که ایرانیان را با زبان شناسی نوین آشنا کرد و نظریه ای که شما با نوشتن نقد های دانشورانه نسبت به افراط و انحراف در زمینه شناخت لغزش های زبانی و ویراستاری هندارانی را بجا گذاشتید به بکاران خود داده اید و چون شما در ایجاد و پرورش زبان علمی فارسی کوشش های مؤثر کرده اید و با توجه ویژه به اصول فنی ترجمه در رشته های تخصصی و غیر تخصصی خود کتاب های مهم و مفیدی را همچون زبان و زبان شناسی جدید و ساخت و کار ذهن به بیانی روشن به فارسی برگردانده اید و زمینه آشنایی دست نسل جوان را با علوم جدید فراهم آورده اید و چون شما پس از تحصیل در غرب و بازگشت به ایران جامعه دانشگاهی را با روش های جدید زبان شناسی آشنا کرده اید و در این حوزه پیگام و پیشر بوده اید و در بوی کردن دانش زبان شناسی بنگانی برای فارسی زبانان به جد کوشیده اید و چون شما در جایگاه استاد دانشگاه سال بی بی بار از عمر خود را به تدریس زبان شناسی در دانشگاه تهران اختصاص داده اید و شاگردان صاحب نظر پرورده اید برای ما به یادمانی و مسرفرزای است که بیست و هفتمین جایزه ادبی و تاریخی دکتر محمود افشاری زدی را که قاصد ای ارضی اثر بنیامین نائینی و آراسته به نام شماست به همراه پایزه ای که چهره و نشان موقوفات بر آن نقش بسته به شما تقدیم کنیم

رئیس شورای تولید  
دکتر سید مصطفی محقق داماد



## فهرست مطالب

۱۳	کتاب‌شناسی دکتر محمدرضا باطنی (زهره جعفری).....
	<b>مقالات و یادداشت‌ها</b>
۲۳	دیر بماناد و شاد (محمدرضا شفیعی کدکنی).....
۲۵	سپاس دکتر باطنی که با ما ماندی! (ژاله آموزگار).....
۲۹	خدمات دکتر باطنی به آشنایی ایرانیان با زبان‌شناسی نوین (علی‌اشرف صادقی)
۳۳	محمدرضا باطنی (حسین سامعی).....
۳۷	استادم! (کورش صفوی).....
۳۹	چند عکس از دکتر محمدرضا باطنی.....



## کتاب‌شناسی دکتر محمدرضا باطنی

زهرا جعفری

### ۱. کتاب‌ها<sup>۱</sup>

#### الف. تألیف

- توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی بر بنیاد یک نظریهٔ عمومی زبان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۸.
- زبان و تفکر؛ مجموعه مقالات، تهران، کتاب زمان، ۱۳۴۹.
- مسائل زبان‌شناسی نوین؛ مجموعه مقالات، تهران، آگاه، ۱۳۵۴.
- زبان‌آموزی: مراکز تربیت مربی کودک؛ [برای] وزارت آموزش و پرورش، تربیت معلم، تهران، وزارت آموزش و پرورش، معاونت امور آموزشی، ۱۳۵۶.
- نگاهی تازه به دستور زبان، تهران، آگه، ۱۳۶۳.
- چهار گفتار دربارهٔ زبان؛ مجموعه مقالات، تهران، آگاه، ۱۳۶۳.
- دربارهٔ زبان؛ مجموعه مقالات، تهران، آگاه، ۱۳۶۷.
- پیرامون زبان و زبان‌شناسی، مجموعه مقالات، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۱.
- زبان و جامعه‌شناسی؛ مجموعه مقالات (با دیگر همکاران)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱.

#### ب. مجموعه فرهنگ‌ها<sup>۲</sup>

- واژه‌نامهٔ روان‌شناسی و زمینه‌های وابسته، انگلیسی - فارسی - انگلیسی (با دیگر همکاران)، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۶۸.
- فرهنگ انگلیسی - فارسی (ویراست اول)، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۱.

<sup>۱</sup> برخی از این کتاب‌ها را ناشران مختلف در سال‌های مختلف بارها به چاپ رسانده‌اند.

<sup>۲</sup> نشر فرهنگ معاصر، فرهنگ‌های یادشده در این بخش را در سال‌های مختلف بارها به چاپ رسانده است.

- فرهنگ انگلیسی- فارسی (ویراست دوم)، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۶.
- فرهنگ معاصر دانش آموز، انگلیسی- فارسی، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۷.
- فرهنگ پویا، انگلیسی- فارسی، (ویراست سوم)، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۵.
- فرهنگ پویا، انگلیسی- فارسی، (ویراست سوم)، ۲ جلد در یک مجلد، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۵.
- فرهنگ پویا، فعل های گروهی، انگلیسی- فارسی، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۶.
- فرهنگ پویا، انگلیسی- فارسی، یک جلدی، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۷.
- فرهنگ پویا، اصطلاحات انگلیسی- فارسی، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۷.
- فرهنگ پویا، انگلیسی- فارسی، با الفبای آوانگار بین المللی (IPA)، ۲ جلد در یک مجلد، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۷.
- فرهنگ پویا، همانندها، انگلیسی- فارسی، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۸.
- فرهنگ پویا، انگلیسی- فارسی، کوچک، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۸.
- فرهنگ پویا، اصطلاحات و عبارات رایج فارسی، فارسی- انگلیسی، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۹۲.
- فرهنگ پویا، انگلیسی- فارسی، (ویراست چهارم)، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۹۴.

### ج. ترجمه

- زبان و زبان شناسی، رابرت اندرسون هال، تهران، شرکت سهامی کتاب های جیبی؛ فرانکلین، ۱۳۵۰.
- زبان شناسی جدید، مانفرد بی یرویش، تهران، آگاه، ۱۳۵۵.
- مقدمه ای بر فلسفه، ی. م. بوخنسکی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۱.
- انسان به روایت زیست شناسی، آنتونی بارت، (با همکاری ماه طلعت نفرآبادی)، تهران، نشر نو، ۱۳۶۳.
- خواب، یان اوزوالد، تهران، هاشمی، ۱۳۶۳.
- ساخت و کار ذهن، کالین بلیک مور، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۶۶.
- دانشنامه مصور<sup>۱</sup>، تهران، آگاه، ۱۳۶۸.
- مغز و رفتار: زیست شناسی در زندگی روزمره، فرانک کمپبل، جورج سینگر، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۰.
- فلسفه هنر نیچه، جولیان یانگ، (با همکاری رضا حسینی)، تهران، آتیه، ۱۳۸۰.
- آشنایی با فلسفه، یوسف م. بوخنسکی، تهران، توتیا، ۱۳۸۰.

### د. گردآوری و ویرایش

- دستور سال سوم آموزش متوسطه عمومی (کتاب درسی)، مؤلفان: علی اشرف صادقی و غلامرضا ارژنگ، تهران، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۵۵.
- فرهنگ کوچک انگلیسی- فارسی، سلیمان حیم؛ با همکاری شیوا رویگریان و محمد افتخاری، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۶.

<sup>۱</sup> این کتاب ترجمه بخشی از *Modern century illustrated encyclopedia* است.

## ۲. مقالات (به تفکیک سال‌ها)

### الف. به زبان فارسی

- ۱۳۴۲ «زبان به‌عنوان دستگاهی از علائم»، اندیشه و هنر، دوره چهارم، ش ۳، ۱۳۴۲، ص ۲۳۶-۲۴۴.
- ۱۳۴۶ «زبان و زبان‌شناسی»، نگین، ش ۳۲، دی ۱۳۴۶، ص ۲۷-۲۸.
- «آموختن زبان فارسی به‌عنوان یک ابزار علمی»، جهان نو، ج ۲۲، ش ۳ و ۴، ۱۳۴۶، ص ۹۴-۱۰۵.
- «پدیده‌های فرضی در زبان فارسی»، جهان نو، ج ۲۲، ش ۱۱ و ۱۲، ۱۳۴۶، ص ۱۲۸-۱۳۸.
- ۱۳۴۷ «رابطه زبان و تفکر»، نگین، ش ۳۵، فروردین ۱۳۴۷، ص ۳۱-۳۲.
- «یادگیری و رشد زبان در کودک»، نگین، ش ۳۷، خرداد ۱۳۴۷، ص ۳۲-۳۳.
- «مسئله‌ای به‌نام زبان»، نگین، ش ۴۰، شهریور ۱۳۴۷، ص ۲۹.
- «روان‌شناسی زبان»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، س ۱۶، ش ۳، بهمن ۱۳۴۷، ص ۲۶۶-۲۷۷.
- «مقایسه اجمالی دستگاه صوتی فارسی و انگلیسی»، سخن، س ۱۸، ۱۳۴۷، ص ۷۴۶-۷۵۸.
- «مقایسه بعضی از خصوصیات ساختمانی زبان فارسی و انگلیسی»، سخن، س ۱۸، ۱۳۴۷، ص ۶۶۷-۶۵۸.
- ۱۳۴۸ «نسبیت در زبان»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، س ۱۷، ش ۱، مهر ۱۳۴۸، ص ۱۲۵-۱۴۲.
- «طرح‌ریزی و نوسازی زبان فارسی»، جهان نو، س ۲۴، ش ۹، ۱۳۴۸، ص ۷.
- ۱۳۵۰ «هم‌معنایی و چندمعنایی در واژه‌های فارسی»، مجموعه خطابه‌ها، س ۱، ۱۳۵۰، ص ۲۱-۳۱.
- ۱۳۵۳ «استعمال (باید) در فارسی امروز»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، س ۲۰، ش ۳ و ۴، اردیبهشت ۱۳۵۳، ص ۱۲۵-۱۳۰.
- «اصطلاحات خویشتاوندی در زبان فارسی»، سخن، س ۲۳، ۱۳۵۳، ص ۱۳۵۲-۱۳۶۵.
- «زبان و اجتماع»، سخن، س ۲۴، ش ۳، ۱۳۵۳، ص ۴۴۱-۴۵۱ و ۵۴۸-۵۵۱.
- «چند نکته درباره آموزش زبان فارسی به خارجیان مبتدی»، سخن، س ۲۴، ش ۴، ۱۳۵۳، ص ۲۸۴-۲۹۱.
- ۱۳۵۴ «استعمال "که، دیگه، آخه، ها" در فارسی گفتاری»، پژوهشنامه فرهنگستان زبان ایران، ش ۱، بهمن ۱۳۵۴، ص ۴۹-۶۶.
- «اسم عام و اسم خاص»، پژوهشنامه فرهنگستان زبان ایران، ش ۱، بهمن ۱۳۵۴، ص ۲۱-۳۴.

- ۱۳۵۵ «استعمال "که، دیگه، آخه، ها" در فارسی گفتاری»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، س ۲۳، ش ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۵۵، ص ۲۵۷-۲۷۱ (بازچاپ).
- «جامعه‌شناسی زبان»، فرهنگ و زندگی، ش ۲۱ و ۲۲ (ویژه زبان و هنر)، بهار و تابستان ۱۳۵۵، ص ۴-۲۹.
- «دستور ساختاری»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، س ۲۳، ش ۴، ۱۳۵۵، ص ۲۰-۴۱.
- «چند نکته درباره آموزش زبان فارسی به خارجی‌ان مبتدی»، همایی نامه، تهران، ۱۳۵۵، ص ۲۲۱-۲۲۸ (بازچاپ).
- «زبان به عنوان یک رفتار اجتماعی»، ششمین کنگره تحقیقات ایرانی، س ۱، ۱۳۵۵، ص ۲۰۹-۲۲۲.
- ۱۳۵۶ «مقایسه مقولات اسم در زبان فارسی و انگلیسی»، پژوهشنامه فرهنگستان زبان ایران، ش ۲، ۱۳۵۶، ص ۴۵-۶۱.
- «کلمات تیره و شفاف، بحثی در معناشناسی»، سخن، س ۲۶، ۱۳۵۶، ص ۱۸۶-۱۹۹ و ۲۶۱-۲۷۱.
- ۱۳۶۳ «مفاهیم علمی در مقاله عرفان و عصر انفرماتیک»، آینده، س ۱۰، اردیبهشت و خرداد ۱۳۶۳، ص ۱۶۰-۱۶۸.
- ۱۳۶۶ «هیچ خطری زبان فارسی را تهدید نمی‌کند»، آینه، ش ۱۶، آبان ۱۳۶۶، ص ۱۹-۲۳ و ش ۱۷، ص ۲۰-۲۲.
- ۱۳۶۷ «اجازه بدهید غلط بنویسیم» (نقدی بر کتاب غلط ننویسیم ابوالحسن نجفی)، بخش اول، آینه، ش ۲۴، خرداد ۱۳۶۷، ص ۲۶-۲۹.
- «هیاهوی بسیار بر سر هیچ» (نقدی بر کتاب غلط ننویسیم ابوالحسن نجفی)، بخش دوم، آینه، ش ۲۵، تیر ۱۳۶۷، ص ۲۲-۲۷.
- «فارسی بیدی نیست که از این بادها بلرزد» (نقدی بر کتاب غلط ننویسیم ابوالحسن نجفی)، بخش پایانی، آینه، ش ۲۶، مرداد ۱۳۶۷، ص ۲۱-۲۵.
- ۱۳۶۸ «فارسی زبانی عقیم؟»، آینه، ش ۳۳، فروردین ۱۳۶۸، ص ۶۶-۷۱.
- «کتاب سال در ترازو»، آینه، ش ۳۵، خرداد ۱۳۶۸، ص ۱۲-۱۳.
- «روان‌شناسی زبان»، زبان‌شناسی، ش ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۶۸، ص ۲۴-۴۰.
- ۱۳۶۹ «عضویت فرهنگستان نباید جایزه خدمات خاصی باشد»، آینه، ش ۴۹، شهریور ۱۳۶۹، ص ۳۸-۳۹.
- «پیرامون زبان و زبان‌شناسی»، مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبائی، ش ۶۱، دی ۱۳۶۹، ص ۱-۳۲.



- «سخنی با آقای احمد شاملو»، آئینه، ش ۴۷، مرداد ۱۳۶۹، ص ۱۲-۱۳.
- «درباره فردوسی و سخنان احمد شاملو»، جنگ، س ۱، طبعه، ش ۶، مرداد ۱۳۶۹، ص ۹-۱۱.
- ۱۳۷۰ «جلوه‌های شخصیت اخوان در شعرش»، در باغ بی‌برگی، (یادنامه مهدی اخوان ثالث)، به اهتمام مرتضی کاخی، تهران، نشر ناشران، ۱۳۷۰، ص ۱۲۱-۱۲۴.
- ۱۳۷۱ «سال‌هاست که برای مفاهیم جدید واژه‌ای نساخته‌ایم»، ادبستان، ش ۲۹، اردیبهشت ۱۳۷۱، ص ۲۶-۲۹.
- «سبک‌شناسی زبان‌شناسی»، کتاب سخن، مجموعه مقالات، تهران، ۱۳۷۱، ص ۸۲-۸۵.
- ۱۳۷۲ «استفاده از اشتقاق در واژه‌سازی علمی»، مجموعه مقالات سمینار زبان فارسی و زبان علم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲، ص ۲۲۳-۲۳۵.
- ۱۳۷۳ «ادراک گفتار»، مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی، ش ۸۰، ۱۳۷۳، ص ۵-۱۶.
- ۱۳۷۴ «پویایی زبان فارسی مدیون ترجمه است»، آئینه، ش ۱۰۵، آذر ۱۳۷۴، ص ۱۲-۱۶.
- ۱۳۷۸ «شالوده‌های عصب‌شناختی زبان»، تازه‌های علوم شناختی، ش ۴، زمستان ۱۳۷۸، ص ۲۵-۳۴.
- ۱۳۸۱ «جامعه‌شناسی زبان»، در: زبان و جامعه‌شناسی، مجموعه مقالات بادیگر همکاران، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱ (بازچاپ).
- ۱۳۸۸ «استعمال "که، دیگه، آخه، ها" در فارسی»، بخارا، ش ۷۰، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۸، ص ۳۸-۵۱ (بازچاپ).
- «رابطه زبان و تفکر»، رشد معلم، ش ۸، اردیبهشت ۱۳۸۸، ص ۸-۱۱ (بازچاپ).
- «نکاتی درباره فرهنگ‌نگاری»، فرهنگ‌نویسی (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، ش ۲، مهر ۱۳۸۸، ص ۱۶۸-۱۷۵.
- «اهمیت استنباط در درک زبان»، بخارا، ش ۷۴، بهمن و اسفند ۱۳۸۸، ص ۸۳-۹۴.
- ۱۳۸۹ «ادراک گفتار»، بخارا، ش ۷۵، فروردین و تیر ۱۳۸۹، ص ۹۰-۹۸ (بازچاپ).
- «زبان در خدمت باطل»، بخارا، ش ۷۶، مرداد و شهریور ۱۳۸۹، ص ۷۴-۸۱.
- «مهارت در خواندن»، بخارا، ش ۷۷ و ۷۸، مهر و دی ۱۳۸۹، ص ۸۱-۹۲.
- ۱۳۹۰ «زبان به‌عنوان یک رفتار اجتماعی»، بخارا، ش ۸۰، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۰، ص ۱۰۸-۱۱۷ (بازچاپ).
- «کلمات تیره و شفاف: بحثی در معناشناسی» (تقدیم به روان دانش‌پژوه ارجمند ایرج افشار)،

- بخاره ش ۸۱، خرداد و تیر ۱۳۹۰، ص ۳۰-۳۹ (بازچاپ).
- «کلمات تیره و شفاف: بحثی در معناشناسی»، بخاره ش ۸۳، مهر و آبان ۱۳۹۰، ص ۳۵-۴۴ (بازچاپ).
- «کاربرد «باید» در فارسی امروز»، بخاره، ش ۸۴، آذر و دی ۱۳۹۰، ص ۶-۱۱ (بازچاپ).
- «شالوده‌های عصب‌شناختی زبان»، بخاره، ش ۸۵، بهمن و اسفند ۱۳۹۰، ص ۷۳-۸۵ (بازچاپ).
- ۱۳۹۲ «نکاتی درباره فرهنگ‌نگاری»، بخاره ش ۹۳، خرداد و تیر ۱۳۹۲، ص ۶-۱۵ (بازچاپ).
- «خاطراتی از خانلری»، بخاره ش ۹۴، مرداد و شهریور ۱۳۹۲، ص ۱۸۲-۱۸۴ (بازچاپ و تلخیص).
- «داستان مقاله من در سخن و مواجهه با سانسور»، بخاره، ش ۹۴، مرداد و شهریور ۱۳۹۲، ص ۲۷۴-۲۸۷.
- «زبان به‌عنوان دستگاهی از علائم»، بخاره، ش ۹۸، بهمن و اسفند ۱۳۹۲، ص ۸۶-۹۲ (بازچاپ).
- ۱۳۹۳ «جمله، واحد ترجمه»، بخاره، ش ۹۹، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۳، ص ۴۶-۵۴.
- «زبان و نظریه ارتباط»، بخش نخست، بخاره، ش ۱۰۳، آذر و دی ۱۳۹۳، ص ۲۱-۲۶.
- «زبان و نظریه ارتباط»، بخش دوم، بخاره، ش ۱۰۴، بهمن و اسفند ۱۳۹۳، ص ۶-۱۳.
- «چند نکته درباره آموزش فارسی به خارجی‌ان مبتدی»، بخاره، ش ۱۰۱، مرداد و شهریور ۱۳۹۳، ص ۱۸-۲۳ (بازچاپ).
- ۱۳۹۴ «اسم عام و اسم خاص»، بخاره، ش ۱۰۷، مرداد و شهریور ۱۳۹۴، ص ۱۵-۲۲ (بازچاپ).
- «فارسی، زبانی عقیم؟»، با مهر، جشن‌نامه دکتر محمدرضا باطنی، به همت کوروش صفوی، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۹۴، ص ۶۹-۸۵ (بازچاپ).
- ۱۳۹۵ «اصطلاحات خویشاوندی در زبان فارسی»، بخاره، ش ۱۱۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۵، ص ۷۰-۸۱ (بازچاپ).
- «شالوده‌های عصب‌شناختی زبان» بخش نخست، بخاره، ش ۱۱۲، خرداد و تیر ۱۳۹۵، ص ۳۵-۴۱ (بازچاپ).
- «شالوده‌های عصب‌شناختی زبان»، بخش دوم، بخاره، ش ۱۱۳، مرداد و شهریور ۱۳۹۵، ص ۲۲-۳۱ (بازچاپ).
- «هم‌زبان شدن با شامپانزه»، بخاره، ش ۱۱۴، مهر و آبان ۱۳۹۵، ص ۵۴-۷۰.
- «کلمات تیره و شفاف: بحثی در معناشناسی»، بخاره، ش ۱۱۵، آذر و دی ۱۳۹۵، ص ۱۲-۳۲ (بازچاپ).
- «پدیده زبان از دو دیدگاه»، بخش اول، بخاره، ش ۱۱۶، بهمن و اسفند ۱۳۹۵، ص ۲۶-۳۳.

- ۱۳۹۶ «پدیده زبان از دو دیدگاه»، بخش پایانی، بخارا، ش ۱۱۷، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۶، ص ۷۱-۷۸ (بازچاپ).
- «نگاهی به دستور زبان‌های سنتی»، بخش نخست، بخارا، ش ۱۱۸، خرداد و تیر ۱۳۹۶، ص ۲۷-۴۳.
- «نگاهی به دستور زبان‌های سنتی»، بخش پایانی، بخارا، ش ۱۱۹، مرداد و شهریور ۱۳۹۶، ص ۶۱-۷۶.
- «جامعه‌شناسی زبان» بخش نخست، بخارا، ش ۱۲۱، آذر و دی ۱۳۹۶، ص ۴۷-۵۸ (بازچاپ).
- «جامعه‌شناسی زبان»، بخش دوم، بخارا، ش ۱۲۲، بهمن و اسفند ۱۳۹۶، ص ۴۸-۵۶ (بازچاپ).
- «ادراک گفتار»، بخارا، ش ۱۲۰، مهر و آبان ۱۳۹۶، ص ۵۳-۶۲ (بازچاپ).
- ۱۳۹۷ «جامعه‌شناسی زبان»، بخش پایانی، بخارا، ش ۱۲۳، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۷، ص ۴۸-۵۸ (بازچاپ).
- «زبان: ثمره تکامل بشر» بخش نخست، بخارا، ش ۱۲۵، مرداد و شهریور ۱۳۹۷، ص ۲۷-۳۴.
- «زبان: ثمره تکامل بشر» بخش دوم، بخارا، ش ۱۲۷، مهر و آبان ۱۳۹۷، ص ۱۶-۲۳.
- «زبان: ثمره تکامل بشر» بخش پایانی، بخارا، ش ۱۲۸، آذر و دی ۱۳۹۷، ص ۲۰-۲۹.
- ۱۳۹۸ «تحلیل معنایی چند واژه محاوره‌ای (که، دیگه، آخه، ها)»، بخش نخست، بخارا، ش ۱۳۲، مرداد و شهریور ۱۳۹۸، ص ۶۳-۶۹ (بازچاپ).
- «تحلیل معنایی چند واژه محاوره‌ای (که، دیگه، آخه، ها)»، بخش پایانی، بخارا، ش ۱۳۳، مهر و آبان ۱۳۹۸، ص ۵۷-۶۳ (بازچاپ).

## ب. به زبان انگلیسی

- “Recent Advances in Persian Lexicography” at the First International Conference on Aspects of Iranian Linguistics, 19–17 June 2005 Leipzig, Germany .
- “A Glance at Sociology of Language ( Sociolinguistics )”, July 2007, University of Toronto.
- “Assessing the State of Contemporary Persian”, a Plenary Lecture at Seventh Biennial Conference on Iranian Studies, July -31 August 2008 ,3, Toronto .
- “Collocations and Idioms and their Translatability” at Seventh Biennial Conference on Iranian Studies, July -31 August 2008 ,3, Toronto.
- “Language Relativity”, August 2008, University of Toronto.
- “On the Attempts to Teach Language to Chimpanzees: Success or Failure?”, November 2009, University of Toronto.
- “Collocations and Idioms and Their Translatability”, Iranian Studies, Vol. 43, Issue 5: On Persian Language and Linguistics, December 2010, pp.597-591.

## ۳. یادداشت بر آثار دیگران

- «نامه‌ها»، (با همکاران)، جهان کتاب، ش ۲ و ۲۱، شهریور ۱۳۷۵، ص ۲۸-۲۹.
- «نظارت علمی»، بر: شیوه‌نامه ضبط اعلام انگلیسی در فارسی، ماندانا صدیق‌بهبزادی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵.
- «یادداشت»، بر: زبان‌های ساختگی، علی‌اکبر عبدالرشیدی، تهران، مسافر، ۱۳۹۱.

## ۴. گفت‌وگوها

- «در خلأ نمی‌توانم درباره زبان‌شناسی تحقیق کنم»، آدینه، ش ۱۷، آبان ۱۳۶۶، ص ۲۰-۲۲.
- «هیچ خطری زبان فارسی را تهدید نمی‌کند»، آدینه، ش ۱، شهریور ۱۳۷۲، ص ۳۵-۴۲.
- «نگاهی تازه به دستور زبان فارسی»، آموزش ادب فارسی، ش ۳۴، زمستان ۱۳۷۲، ص ۱۰-۱۳ و ۶۲-۶۵.
- «گفت‌وگو با دکتر محمدرضا باطنی»، مصاحبه‌کننده: مجدل‌الدین کیوانی، مترجم، س ۵، ش ۱۷ و ۱۸، بهار و تابستان ۱۳۷۴، ص ۱۵-۲۷.
- «گفت‌وگو با دکتر محمدرضا باطنی»، سیروس علی‌نژاد و سیمین روشن، جهان کتاب، ش ۷، نیمه دوم دی ۱۳۷۴، ص ۱۳-۱۴.
- «حاصل ۲۰ سال پژوهش»، مصاحبه‌کننده: سید ابوالحسن مختاباد، همشهری، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۶، ص ۲۰.

«استاد زبان‌شناس: آشنایی بیشتر با استاد زبان‌شناسی»، زندگی‌نامه دکتر محمدرضا باطنی به روایت خودش، بخارا، ش ۶۳، مهر و آبان ۱۳۸۶، ص ۱۱-۱۵.

«گفتار و خط فارسی»، بخارا، ش ۶۳، مهر و آبان ۱۳۸۶، ص ۱۶-۲۸.

«خط فارسی را نمی‌توان اصلاح کرد»، بی‌بی‌سی فارسی، ۲۷ خرداد ۱۳۸۷.

«گفت‌وگو با دکتر محمدرضا باطنی»، بخارا، ش ۷۲ و ۷۳، مهر و دی ۱۳۸۸، ص ۲۳-۴۵.

«گزارش یک زندگی» و «باطنی و خط فارسی»، گفت‌وگو با دکتر محمدرضا باطنی، مصاحبه‌کنندگان: سیروس علی‌نژاد و سیمین روشن، با مهر، جشن‌نامه دکتر محمدرضا باطنی، به همت کوروش صفوی، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۹۴، ص ۵-۱۴ و ۱۵-۲۷ (بازچاپ).

«گفت‌وگو با دکتر محمدرضا باطنی»، مصاحبه‌کننده: کیوانی، مجالدین، با مهر، جشن‌نامه دکتر محمدرضا باطنی، به همت کوروش صفوی، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۹۴، ص ۳۱-۴۹.

«در محضرش»، مصاحبه‌کننده: کوروش صفوی، با مهر، جشن‌نامه دکتر محمدرضا باطنی، به همت کوروش صفوی، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۹۴، ص ۵۱-۶۷.

«دیدار و گفت‌وگو با محمدرضا باطنی»، علی دهباشی، هشتاد و چهارمین نشست کتابفروشی آینده، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، ۲۴ فروردین ۱۳۹۶.

«چامسکی معلم برجسته‌ای نبود، ولی...»، آزما، ش ۱۴۳، دی ۱۳۹۸، ص ۲۶.

## ۵. سخنرانی‌ها

«همبستگی زبان و اجتماع»، [بخشی از سخنرانی در دانشکده ادبیات و علوم انسانی]، بخارا، ش ۶۴، آذر و اسفند ۱۳۸۶، ص ۵۴-۶۵.

«رابطه زبان و تفکر»، [بخشی از سخنرانی با عنوان «ملاحظات دربارۀ روان‌شناسی زبان»، بیمارستان شهدای تجریش، اسفند ۱۳۷۴]، ادبیات تربیت معلم، دوره جدید، س ۲، ش ۶-۸، پاییز ۱۳۷۳ و بهار ۱۳۷۴، ص ۵۱-۶۶. نیز: بخارا، ش ۶۶، مرداد و شهریور ۱۳۸۷، ص ۶۲-۷۵ (بازچاپ).

«شالوده‌های عصب‌شناختی زبان»، بخارا، ش ۶۸ و ۶۹، آذر-اسفند ۱۳۸۷، ص ۸۹-۱۰۳.

«شب محمدرضا باطنی»، صدوسی و سومین شب از شب‌های مجله بخارا، با همکاری بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، کانون زبان فارسی، ۶ مهر ۱۳۹۲.

«ماجرای دانشگاه تهران...»، بخارا، ش ۹۵ و ۹۶، مهر و آبان ۱۳۹۲، ص ۴۵۵-۴۶۱.





## دیر بماناد و شاد

محمد رضا شفیعی کدکنی

دکتر محمد رضا باطنی، استاد یگانه زبان‌شناسی دانشگاه تهران، در جهت پایه‌گذاری و گسترش دانش زبان‌شناسی در ایران، بیش از هر کس دیگری نقش داشته است. وقتی که در حدود سال‌های ۴۵-۱۳۴۴ از انگلستان برگشت و نظریه استادش هالییدی<sup>۱</sup> را - که یکی از تأثیرگذارترین زبان‌شناسان نیمه دوم قرن بیستم در جهان به شمار می‌رود، در ساختمان زبان فارسی معاصر - به اصطلاح امروزیان «پیاده» کرد و چندین کتاب و بسیاری مقاله در این باب نوشت، بلندترین صدایی بود که در فضای دانشگاهی ایران، در این عرصه، شنیده می‌شد و بی‌تردید تأثیرگذارترین کسی، در این میدان بود.

درباره جایگاه علمی او، و توانایی‌های شگرف او در تدریس، دیگران باید مقالات و حتی کتاب‌ها بنویسند که خواهند نوشت و برای شخص بی‌اطلاعی چون من، سکوت، در این باره به آدب نزدیک‌تر است و شایسته‌ترین کاری است؛ اما به‌عنوان یک شاهد و گواه، در تاریخ معاصر ایران، و بیشتر برای آیندگان و ثبت در تاریخ، می‌توانم گواهی دهم که دکتر باطنی یکی از مردان آزاده عصر ما و نسل ماست که با پارسایی و زهدی از نوع زهد عارفان تذکرة الاولیاء، بی‌اعتنا و سربلند از کنار تمام وسوسه‌های قدرت‌طلبی و جاذبه‌های حیات اداری و مادی و نان به نرخ روز خوردن‌ها گذشت و این جایگاه اخلاقی‌اش، حتی از جایگاه علمی و دانشگاهی‌اش ارزش بیشتری دارد و می‌دانم که او بعد از انقلاب در این راه رنجی درازدامن را با شکیبایی خویش آزموده است.

ما، در آینده، به یاری خداوند، دانشمندان بسیاری در عرصه زبان‌شناسی خواهیم داشت که در معیارهای دانشگاهی، همچون او، مورد احترام حوزه‌های زبان‌شناسی جهان خواهند بود؛ ولی مقام معنوی و آزادگی دکتر باطنی و دلیری و دلاوری علمی او، چیز دیگری است که غالباً مغفول مانده است و جز اندکی از شاگردان و یاران نزدیک او و افراد خانواده‌اش، دیگران، بیش و کم از آن بی‌خبرند و این چیزی است که هیچ‌گاه کهنه نخواهد شد؛ زیرا نوعی «هنر زیستن» است. علم می‌آید و می‌رود و کهنه می‌شود، و همچون

1 M. A. Halliday.

فصلی از تاریخ برای اهلش ثبت می‌شود؛ اما «هنرِ پاکدامنِ زیستن» و آزادگی، همیشه زنده است. به همین دلیل نام دکتر محمدرضا باطنی همچون بلند «آویسه» ای (یعنی الگو و اسوه‌ای) برای نسل‌های آینده فرزندان ایران زمین همیشه خواهد ماند و ما دعا می‌کنیم که او خود نیز سال‌ها و سال‌ها با تندرستی «دیر بماناد و شاد...».

سوم خرداد ۱۳۹۹





## سیاس دکترا باطنی که با ما ماندی!

ژاله آموزگار

دکتر باطنی عزیز

خوشحالم که در چنین موقعیت دلپذیری به عنوان یکی از قدیمی ترین همکارانت در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، صفحه‌ای دیگر از افتخاراتت را با هم ورق می‌زنیم:

اولیای محترم موقوفات زنده‌یاد دکتر محمود افشار تو را به عنوان یکی از خدمتگزاران زبان فارسی برگزیده‌اند. از این انتخاب بجا و از این موفقیت تو چنان شادمانم که گویی من این جایزه را دریافت کرده‌ام. بارها گفته‌ام و تکرار آن امیدوارم برای تو و دوستان ملال‌انگیز نباشد که ما در محیط کاریمان آدم‌های خوشبختی بودیم، چون با استادان دانشمند و دلسوزی همکار و هم‌گروه و هم‌اتاق بودیم که خودشان، کارشان، سرزمینشان، اطرافیان‌شان و مهم‌تر از همه ایران را دوست داشتند و برای تک‌تک این موارد ارزش قائل بودند. به کارشان اعتقاد داشتند و علاقه‌شان به وظیفه‌ای که بر عهده گرفته بودند به مراتب بر جنبه‌ی مادی آن می‌چربید.

تو خوب می‌دانی همکاران ما به دلیل لیاقت، تخصص، دانش و تلاش سازنده‌ای که کرده بودند، به این جایگاه رسیده بودند؛ نه اینکه از بالادست‌ها تحمیل شده باشند یا مسائل عقیدتی و سیاسی آن‌ها را به آن مقام رسانده باشد. خوب درس خوانده بودند و شاگرد ممتاز شده بودند و گرفتن هزینه‌ی تحصیلی و سفر به غرب برای ادامه‌ی تحصیل، ثمره‌ی دانسته‌ها و کوشش‌هایشان بود.

تو هم یکی از این‌ها بودی. راهی غرب شدی؛ ولی بازگشتی و آنچه را آموخته بودی در سبب اخلاص در اختیار مشتاقان گذاشتی.

نوشتی، نه در یک زمینه که در زمینه‌های گوناگون. ترجمه کردی. کار سترگ واژه‌نامه‌ی پویا را به انجام رساندی و زمانی که بی‌مهری‌ها به سراغت آمد و خانه‌ی اصلی‌ات را که دانشگاه باشد به اجبار ترک کردی، زانوی غم در بر نگرفتی و راه‌های دیگر برای خدمت کردن یافتی و همچنان کارنامه‌ی علمی‌ات را پربار کردی. دوست عزیز مشترکمان دکتر علی‌اشرف صادقی حق مطلب را به جای آورده است و به تفصیل و

بادقت خدمات علمی تو را به قلم کشیده است و من دیگر لزومی نمی بینم که آن‌ها را تکرار کنم و به دیگر ویژگی‌های تو می پردازم.

در تمام مدت همکاری با تو در گروه زبان‌شناسی و فرهنگ و زبان‌های باستانی، در دورانی که میان دو گروه هنوز افتراقی رخ نداده بود و من مسئولیت گروه را داشتم شاهد بودم که چگونه کلاس‌هایت را بسیار پربار و در سطح جهانی اداره می‌کردی و آخرین دستاوردها را در اختیار دانشجویان قرار می‌دادی، یار و مشاور آن‌ها بودی و پایبند به ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی.

تو علم زبان‌شناسی را که در آن دوران کم‌تر شناخته شده بود، با نوشته‌های سهل‌ممتنع خود «همگانی» کردی و مفاهیم پیچیده آن را با مهارتی تحسین‌برانگیز، در عباراتی روشن و قابل فهم در دسترس همگان گذاشتی و این چنین شد که زبان‌شناسی همگانی شد!

به خاطر دارم زمانی که زبان مفهوم و راحت نوشته‌هایت را تحسین می‌کردم، گفتمی می‌دانی هر جمله‌ای را که می‌خوانید و به نظرتان ساده و آسان می‌آید محصول چند بار پاک کردن و دوباره نوشتن است؟ تو یک زندگی پرفراز و نشیب داشته‌ای و بارها برای ما و دیگران شرح شنیدنی زندگی‌ات را، زیر و بم‌های آن را، دوران کودکی‌ات را در کوچه پس‌کوچه‌های اصفهان، رفت و آمدهایت را در محیط پرتعصب آن روزگاران این شهر، مهربانی‌های ساده و بی‌ریای مادرت که راه مدرسه را بر تو هموار کرد، بازگو کرده‌ای. ما با آنچه در زندگی‌ات پیش آمده است و اینکه تو چگونه لحظه‌های خوش را شکار کرده‌ای و این شادی که هستی، آشنا هستیم.

من خوشحالم که دوست تو و همکار تو و شاهد روزهای تلخ و شیرینت بوده‌ام؛ روزهایی را که در دانشکده دور هم بودیم و هدفمان رونق و پیشرفت گروه بود به خاطر دارم، فضای خوب همکاریمان را که می‌تواند رؤیای جوانان فعلی باشد. ما در غم‌ها و شادی‌هایمان شریک بودیم. من قهرها و آشتی‌های تو را نیز خوب به خاطر دارم. آتشی می‌شدی؛ ولی بلافاصله بی‌غرض راه دلپذیر آشتی را در پیش می‌گرفتی.

بگذار مختصری از خاطرات سفرهایی که با خانواده‌هایمان کردیم و آثار تاریخی مصر و هند را با هم دیدیم و تجربه آموختیم نیز بازگو کنم. جمله‌ای از تو را در سفر هند به خاطر می‌آورم. وقتی در بخش قدیمی دهلی راه می‌رفتیم و آلونک‌هایی را می‌دیدیم که انسان‌ها با گاوهایشان همزیستی داشتند تو گفتی: «من اینجا مرزی بین انسان و حیوان نمی‌بینم». و بعد ادامه دادی «من هم می‌توانستم یکی از این‌ها باشم.» و به خاطر دارم شبی که در هند به خاطر بچه‌هایمان به سیرک رفته بودیم و برنامه‌اش به هیچ وجه با طبیعت ما سازگار نبود، تو گفتی: «چه قدر خوشحالم که از این راه امرار معاش نمی‌کنم!»

این‌ها را هم یادآوری کردم که به شرح بلندبالای کارهای علمی تو موارد روزمره‌ای را نیز بیفزایم. گفتارم را با تکرار بخشی از گفته‌هایم که در جشن هشتادسالگی تو ایراد کردم به پایان می‌برم: سپاس دکتر باطنی عزیز که در این سرزمین به دنیا آمدی و فرزند این سرزمین باقی ماندی. سپاس که استعداد ذاتی خود را هدر ندادی و با وجود همه مشکلاتی که داشتی و بارها از آن‌ها سخن

گفته‌ای تلاش کردی که بیاموزی و باز هم بیاموزی و هرگز از آموختن بازنیستادی. سپاس که این چنین خوب زبان‌شناسی را آموختی و با نثر سهل ممتنع خود آن را همگانی کردی و این آثار ارزنده را به وجود آوردی که دست‌مایه هر پژوهشگری است که در این وادی گام می‌نهد. سپاس که به خودت ایمان داشتی، محکم و استوار باقی ماندی و سعی کردی این ویژگی را به اطرافیانانت هم منتقل کنی.

سپاس که مفید، درستکار، بااخلاق و ثابت‌قدم بودی و باقی ماندی و به هر بادی از این سوی به آن سوی کشیده نشدی و اگر موردی پیش آمد، شجاعانه به اشتباهات اقرار کردی.

سپاس که با ما ماندی، با ما آه کشیدی، با ما رنج دیدی و با ما لبخند زدی و همچنان به این سرزمین خدمت کردی و آشیانه را به دیار دیگر نبردی. وطن را که نمی‌توان در کوله‌بار گذاشت و با خود برد. و اکنون دکتر باطنی عزیز که یادگاری از آن جمع استادان سابق گروهمان هستی، از جانب همه دوستان و دوستانانت از تو می‌خواهم که باز هم تلاش کنی که محکم و قدافراشته باقی بمانی.





## خدمات دکتر باطنی به آشنایی ایرانیان

### با زبان‌شناسی نوین

علی اشرف صادقی

من در ۱۳۴۸ با عنوان استادیار زبان‌شناسی وارد دانشگاه تهران شدم. مدیر گروه، مرحوم دکتر یحیی ماهیارنوبی بود که تازه به این سمت گماشته شده بود. قبل از او مرحوم دکتر محمد مقدم (یا اعتمادمقدم) بود که در ۱۳۴۲ گروه را تشکیل داده بود. دکتر محمد مقدم مردی بسیار نیک‌نفس و شریف و مثبت بود. نوه اعتمادالسلطنه و خواهرزاده خان ملک ساسانی بود. رشته تخصصی او زبان‌شناسی نبود؛ ولی هم به زبان‌شناسی علاقه‌مند بود و هم به زبان‌های قدیم ایران. عقاید افراطی ایران‌پرستی داشت و نظریات او در زمینه مسائل تاریخی ایران و زبان فارسی مورد تأیید متخصصان نبود. در سال اول دوره لیسانس در ۱۳۳۸ دو ساعت مقدمات زبان‌شناسی و آواشناسی و واج‌شناسی درس می‌داد. من درس او را انتخاب کردم؛ ولی پس از دو سه جلسه به سبب دُز بیش از حد اصطلاحات کاملاً تازه آن را حذف کردم؛ اما با تأسیس گروه زبان‌شناسی همگانی و زبان‌های باستانی و پیوستن نیروهای جدیدی که در اروپا دروس مربوط به این دو رشته را خوانده بودند وضع به کلی تغییر کرد. محمدرضا باطنی در لندن نزد مایکل هلییدی و دیگران فوق لیسانس زبان‌شناسی گرفته بود و در گروه تازه‌تأسیس زبان‌شناسی برای گذراندن دوره دکتری ثبت‌نام کرده بود. پایان‌نامه او «توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی» بر اساس نظریه مقوله و میزان هلییدی، به راهنمایی دکتر مقدم بود. او بلافاصله پس از گذراندن دکترا به استخدام گروه درآمده بود و مقدمات زبان‌شناسی و معنی‌شناسی و ساختمان زبان فارسی تدریس می‌کرد. مقارن همین ایام هرمز میلانین هم که دکترای زبان‌شناسی خود را در پاریس به راهنمایی آندره مارتینه به پایان رسانده بود به استخدام گروه درآمده بود و به تدریس کلیات زبان‌شناسی و مکاتب زبان‌شناسی مشغول بود. من دو سال بعد از این دو دوست دیرین وارد گروه شدم. پایان‌نامه دکتر باطنی هم در همین سال ۱۳۴۸ در انتشارات امیرکبیر به چاپ رسیده بود و در نقطه مقابل دستورهایی بود که تا آن زمان برای زبان فارسی نوشته شده بود و نه تنها مبتنی بر

نظریه جدیدی بود که نکات تازه هم درباره مسائل دستوری زبان فارسی در آن کم نبود. باطنی در این ایام مقالات متعددی درباره مسائل جدید زبان‌شناسی در مجلات منتشر کرده بود. این مقالات که بعدها در مجلداتی باز چاپ شد، نخستین مقالات به زبان فارسی بود که ایرانیان را با زبان‌شناسی نوین آشنا می‌کرد. البته قبل از او بعضی استادان مقالاتی راجع به پاره‌ای مسائل زبان فارسی به‌ویژه از دید زبان‌شناسی تاریخی منتشر کرده بودند؛ اما مقالات باطنی برآمده از کلاس‌های درس او بود. خود او می‌گفت من آنچه را در روز درس می‌دهم، شب به شکل مقاله درمی‌آورم. طبعاً دانشجویانی که این مطالب را در کلاس شنیده بودند، با خواندن این مقالات بسیار بهتر مطالب جدید مربوط به زبان را از آن خود می‌کردند. زبان فارسی این مقالات بسیار ساده و روان و بی‌غلط بود. این مقالات نه تنها برای دانشجویان زبان‌شناسی، بلکه برای عامه درس‌خوانندگان نیز قابل فهم بود و کمک بزرگی به آشنایی جوانان با مسائل زبان‌شناسی می‌کرد. باطنی خوب متوجه نیاز جوانان به این نوع نوشته‌ها شده بود.

او در ۱۳۵۶ کتاب نگاهی تازه به دستور زبان را چاپ کرد که در آن به معایب دستورهای سنتی پرداخته بود. این کتاب مورد استقبال فراوان قرار گرفت و تاکنون ۱۶ بار به چاپ رسیده است. مجموعه مقالاتی نیز با عنوان زبان و تفکر (کتاب زمان، ۱۳۴۹) چاپ کرد که عنوان کتاب از نخستین مقاله آن گرفته شده است. سه مجموعه مقاله دیگر با عنوان‌های مسائل زبان‌شناسی نوین (۱۳۵۴)، درباره زبان (۱۳۶۷) و چهار گفتار درباره زبان (۱۳۵۵) را نیز در انتشارات آگاه (بعدها: آگه) در سال‌های بعد منتشر کرد. کتابی نیز با عنوان زبان‌آموزی در ۱۳۵۶ در وزارت آموزش و پرورش به چاپ رساند. سپس مجموعه دیگری با عنوان پیرامون زبان و زبان‌شناسی (۱۳۷۱) در فرهنگ معاصر منتشر ساخت. دو ترجمه نیز با عناوین زبان و زبان‌شناسی از رابرت هال (سازمان کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۰) و زبان‌شناسی جدید از مانفرد بی‌پرویش (انتشارات آگاه، ۱۳۵۵) منتشر کرد. همه این کتاب‌ها در معرفی زبان‌شناسی جدید به نسل جوان، مخصوصاً دانشجویان رشته زبان‌شناسی بسیار مؤثر بود. باطنی ۶ کتاب نیز در غیر رشته زبان‌شناسی ترجمه کرد، از این قرار: ۱- مقدمه‌ای بر فلسفه از بوخنسکی (نشر نو، ۱۳۶۱)، ۲- ساخت و کار ذهن از کالین بلیک مور (فرهنگ معاصر، ۱۳۶۶)، ۳- مغز و رفتار از فرانک کمپ‌بل و جورج سینگر (فرهنگ معاصر، ۱۳۷۰)، ۴- خواب از یان اوزوالد (انتشارات هاشمی، ۱۳۶۳) ۵- انسان از آنتونی بارت، همراه با ماه طلعت نفرآبادی (همسر او) (نشر نو ۱۳۶۳)، ۶- دانشنامه مصور، ترجمه *Modern Century Illustrated Encyclopedia* از انتشارات مک‌گرو هیل (انتشارات آگاه، ۱۳۶۸). کلیه این کتاب‌ها بارها تجدید چاپ شده است. باطنی هنگام انقلاب فرهنگی به اجبار بازنشسته شد و دانشگاه از حضور او و دانشش محروم شد. در این هنگام همکاری با مؤسسه فرهنگ معاصر را شروع کرد که دستاورد مهم آن تهیه چندین فرهنگ معتبر انگلیسی به فارسی است. نخست باید از فرهنگ معاصر انگلیسی - فارسی یاد کرد که ویراست اول آن در ۱۳۷۱ و ویراست دوم آن در ۱۳۷۶ منتشر شد. ویراست سوم آن، که در ۱۳۸۵ در دو جلد منتشر شد، فرهنگ معاصر پویا، انگلیسی - فارسی نام دارد. ویراست چهارم آن هم در ۱۳۸۶ به بازار آمد. این فرهنگ یک فرهنگ

کامل انگلیسی به فارسی است که تمام لغات و اصطلاحات رایج در انگلیسی امروز را دربردارد و به خوبی نیازهای نه تنها دانشجویان که استادان انگلیسی دان را نیز برطرف می کند. یادآور می شود که دو ویراست اول این فرهنگ فقط شامل لغات، بدون اصطلاحات و فعل های ساخته شده با ادات، بود. باطنی در سال ۱۳۸۷ فرهنگی با نام فرهنگ معاصر پویا، اصطلاحات، انگلیسی - فارسی منتشر کرد که کسانی که دو ویراست اول و دوم فرهنگ انگلیسی - فارسی او را در دست داشتند، با در دست داشتن این فرهنگ دیگر به تمام لغات بسیط و مرکب و اصطلاحات انگلیسی دسترسی دارند. در تهیه همه این فرهنگ ها تعدادی از زبان دانان و دانش آموختگان جوان زبان شناسی دستیار باطنی بوده اند که نام آن ها در روی جلد یا در صفحه اول کتاب درج شده است.

به جز این فرهنگ ها به دو فرهنگ زیر از او نیز باید اشاره کرد: فرهنگ فعل های گروهی (*Phrasal Verbs*) انگلیسی - فارسی (۱۳۸۶) و فرهنگ معاصر انگلیسی - فارسی کوچک با همکاری محمدحسین مرعشی (۱۳۷۴). علاوه بر این ها وی با دکتر محمدنقی براهنی و چند تن دیگر یک واژه نامه روان شناسی نیز در مؤسسه فرهنگ معاصر به چاپ رسانده است.

در پایان به یک مقاله جنجالی او که در شماره ۲۴ مجله آدینه (خرداد ۱۳۶۷) با عنوان «اجازه بدهید غلط بنویسیم» منتشر شد نیز باید اشاره کنم. این مقاله پاسخی و نقدی بر کتاب غلط ننویسیم مرحوم ابوالحسن نجفی بود که دیدگاه یک زبان شناس را در برابر دیدگاه ادبی و سنتی نجفی نسبت به زبان نشان می دهد. این مقاله سرآغاز یک سلسله بحث ها درباره کتاب غلط ننویسیم و دیدگاه های متفاوت از دو سو شد.

برای این دوست عزیز و دانشمند و آموزگار متعهد که این روزها در ۸۶ سالگی از حرکت بازایستاده و خانه نشین شده آرزوی تندرستی و زندگانی دراز دارم.







## محمدرضا باطنی

حسین سامعی

جامعه علمی ایران مدرن تاریخی تقریباً یک صدساله دارد. در این دوران کوشندگان بسیاری به پی‌ریزی، توسعه و آموزش علوم مدرن در ایران پرداخته‌اند. این گفتار می‌کوشد نقش و اهمیت محمدرضا باطنی را در این زمینه، و به‌ویژه در حوزه زبان‌شناسی و زبان فارسی، در ایران نشان دهد.<sup>۱</sup>

وقتی، در سال ۱۳۴۵، محمدرضا باطنی جوان از انگلستان به تهران بازگشت، دهه‌ها بود که زبان‌شناسی به‌مثابه یک علم تجربی در اروپا و آمریکای شمالی پا گرفته بود و صاحب نظریه‌ها و مکتب‌های متعددی شده بود که به زبان به‌عنوان پدیده‌ای جهانی می‌نگریستند و تلاش می‌کردند به نظریه‌ای عام دست یابند که بتواند تمامی زبان‌های انسانی را، فارغ از تنوع و تفاوت‌هایشان، توضیح دهد؛ اما در ایران این رهیافت به زبان‌شناسی هنوز تقریباً ناشناخته بود. نگاه غالب به زبان عمدتاً نگاهی تاریخی، ادب‌شناختی و فقه‌اللغوی بود. تنها مؤسسه علمی مرتبط با این علم، گروه زبان‌شناسی و زبان‌های باستانی دانشگاه تهران (که در سال‌های پس از انقلاب به دو گروه تقسیم شد)، هنوز در مدیریت فیلولوژیست‌ها و متخصصان زبان‌های باستانی بود. محمدرضا باطنی در انگلستان زبان‌شناسی خوانده بود و با مایکل هالیدی، زبان‌شناس برجسته بریتانیایی و واضع نظریه نقش‌گرایی، کار کرده بود و در حال اتمام پایان‌نامه دکترایش با او در مورد ساختمان نحوی زبان فارسی بود که به ایران بازگشت. او به دلایل سیاسی نتوانست برای دفاع از پایان‌نامه‌اش به انگلستان برگردد و سرانجام همان‌تر را به دانشگاه تهران ارائه داد. در این حال، صرف همین بازگشت به کشور و سپس پیوستن او به گروه زبان‌شناسی و زبان‌های باستانی و همراهی با هرمز میلانیان، زبان‌شناس تحصیل‌کرده فرانسه و عضو تازه گروه، موجب گرایش، فعالیت و تعریف تازه‌ای از زبان‌شناسی برای استادان و دانشجویانش شد. با این عضویت، مطالعات زبان‌شناسی در ایران از موضوعی تاریخی و ادب‌شناختی به سمت مبحثی علمی میل کرد. برنامه درسی گروه تغییر کرد و موضوع‌های جدیدی به آن اضافه شد.

<sup>۱</sup> غالب فعل‌هایی که در این گفتار به‌کار رفته است به صیغه ماضی و ماضی نقلی هستند. این انتخاب به‌هیچ‌وجه بدان معنا نیست که محمدرضا باطنی، که عمرش دراز باد، به گذشته تعلق دارد. انتخاب فعل ماضی صرفاً برای توصیف یک دوره تاریخی در حیات علمی جامعه ایران است و نقشی که او در ایجاد و توسعه آن داشته است.

سرفصل‌های دروس در مطابقت با برنامه‌های آموزشی کشورهای اروپایی و به‌ویژه آمریکایی تهیه شد. متون درسی تازه برای آموزش زبان‌شناسی شناسایی شد و به برنامه‌های درسی راه یافت. استادان بیشتری، که به‌تازگی از دانشگاه‌های اروپایی و آمریکایی فارغ‌التحصیل شده بودند، به گروه دعوت شدند. این تغییر جهت و حرکت از آن زمان تا سال ۱۳۵۸، که محمدرضا باطنی اجباراً بازنشسته شد، همچنان و با شتابی قابل ملاحظه ادامه یافت و سنت علمی‌ای را پدید آورد که سپس به دانشگاه‌های دیگر گسترش یافت و تا امروز همچنان پابرجاست. ایجاد و ادامه این سنت بدون محمدرضا باطنی ممکن نبود. او نیروی محرکه اصلی این جریان بود. با پیش‌بینی علمی و علم‌گرای او، و استادان تازه‌پیوسته دیگر، گروه زبان‌شناسی و زبان‌های باستانی، هم در پژوهش و هم در آموزش و حتی مدیریت، پوست انداخت و متحول شد. این تحول و مدرن‌سازی گروه نمی‌توانست بر سایر گروه‌های آموزشی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران بی‌تأثیر باشد. محمدرضا باطنی در ایران زبان انگلیسی خوانده بود و سپس در انگلستان به تحصیل زبان‌شناسی پرداخت. علاوه بر ویژگی‌های فردی، تحصیل در فضای علمی بریتانیا، که پرورشگاه رویکرد تحصیلی (پوزیتیویستی) به علم و فلسفه تحلیلی بود نمی‌توانست در پرورش ذهنی او بی‌تأثیر باشد. زبان‌شناسی ساختگرای بریتانیایی و دنباله آمریکایی آن نیز همین رویکرد و روش علمی را دنبال و تقویت می‌کرد. تأثیر این دو بر نگاه محمدرضا باطنی به علم و آموزش علوم، به‌طور عام، در کارهای دانشگاهی و تألیفی او همچنان و تا به امروز باقی است. این نوع نگاه، از سویی، از او دانشوری عمیقاً معتقد به علم و منطق شناخت علمی ساخته است و، از سویی دیگر، معلمی متعهد به توسعه علم و پرورش این نگاه علمی در میان دانشجویان. یکی از نتایج غیرقابل تردید این رویکرد محمدرضا باطنی در سال‌های کار دانشگاهی اش تربیت نسلی از دانشوران زبان‌شناسی است که، متأثر از نگاه و رویکرد علمی او، چه در ایران یا در خارج، به تحصیل و تحقیق ادامه دادند و خود منشأ تربیت نسل‌های بعدی شدند. اهمیت این رویکرد تربیتی از جهتی دیگر نیز قابل ملاحظه است. رشته زبان‌شناسی در ایران، از ابتدا تا امروز، خاص دوره تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکتری) بوده است. غالب داوطلبانی که به این دوره می‌پیوندند فارغ‌التحصیل رشته‌های زبان خارجی، به‌خصوص انگلیسی، هستند. با توجه به برنامه درسی این رشته‌ها در ایران و تأکیدی که بر صرف یادگیری زبان و استفاده از آن در ترجمه یا آموزش می‌گذارند، این داوطلبان عموماً فاقد نگاهی تحلیلی و علمی به زبان و جهان پیرامون خود هستند، و تصمیم آن‌ها برای ادامه تحصیل در رشته زبان‌شناسی هم عموماً، از سویی، به دلیل اهمیت دانستن یک زبان خارجی در امتحان ورودی این رشته بوده است و، از سویی دیگر، به دلیل نبود رشته مناسب دیگری برای ادامه تحصیل آنان. در این حال، زبان‌شناسی زمینه‌ساز رشد نگاه علمی در میان دانشجویانی می‌شود که، بدون آن، چه بسا هیچ‌گاه به‌صورتی نظام‌مند نمی‌توانسته‌اند به حیطه علم و کار علمی وارد شوند. از این رو، زبان‌شناسی به مثابه علمی‌ترین شاخه علوم انسانی به توسعه رویکرد علمی در حوزه‌های دانشگاهی کمکی فراوان کرد. حضور محمدرضا باطنی در این عرصه زمینه‌ساز چنین تحولی بود.

یکی از مهم‌ترین چالش‌های زبان فارسی در یک‌صد سال اخیر چگونگی کاربرد آن در گفتمان علوم و فنون مدرن بوده است. فارسی زبان یک فرهنگ و ادبیات هزار و چهارصدساله در منطقه وسیعی از آسیاست. مهم‌ترین ویژگی درونی این زبان قابلیت آن در بیان ظریف‌ترین و نهانی‌ترین عواطف، حالات و شرایط انسانی است؛ قابلیت‌هایی که به عالی‌ترین وجه در شعر فارسی نمود یافته است؛ اما شعر هنر کلامی است و در آن صورت کلام به اندازه محتوای آن، اگر نه بیشتر، اهمیت دارد. این ویژگی به‌ناچار به فضاسازی‌های پرابهام، پیچیده و تودرتوی کلامی می‌انجامد که هم مقتضای موضوع است و هم منطبق بر ویژگی‌های قالب آن؛ اما جهان مدرن کارکرد تازه‌ای را از زبان فارسی طلب می‌کرد: به کارگیری زبان به گونه‌ای که بتواند علوم و معارف مدرن را به جامعه فارسی زبان ایران انتقال دهد و مفاهیم علمی و فنی را با دقت و صراحت لازم و بدون ابهام بیان کند. گویندگان و نویسندگان زیادی در این دوره به ایجاد این گفتمان علمی کمک کردند. محمدرضا باطنی یکی از شاخص‌ترین آن‌هاست. او با آگاهی از این چالش زبان فارسی کوشید، از همان نخستین مقالاتی که نوشت و کتاب‌هایی که ترجمه کرد، مفاهیم زبان‌شناسی مدرن را به زبانی روشن، دقیق، بی‌ابهام و بدون تعقیدات لفظی بیان کند. کار او از این جهت نیز راهگشا بود و، نه فقط در حوزه زبان‌شناسی، بلکه در ایجاد زبان علمی فارسی سنتی را پایه گذاشت که تا امروز ادامه دارد. هرچند، در مرحله‌ای از این راه پرفرازونشیب، او خود و مخاطبانش را با این پرسش اساسی که «آیا در گفتمان علمی زبان فارسی زبانی عقیم است» مواجه ساخت و پاسخی قطعی برای آن نیز نداشت، با این همه در عمل لحظه‌ای از تلاش برای ایجاد این گفتمان فروگذار نکرد.

اگر زبان علمی را شیوه‌ای از بیان بینگاریم که در آن مفاهیم کلیدی با ساختاری نحوی، که متناسب با آن مفاهیم است و ارتباط نظام‌مند اصطلاح‌شناختی‌شان را بازتاب می‌دهد، عجب می‌شوند، محمدرضا باطنی در ایجاد زبان علمی فارسی تأثیری قابل ملاحظه داشت. گفتمان زبان‌شناسی مدرن در ایران بدون آثاری که او نوشت نمی‌توانست به‌صورتی که اکنون دیده می‌شود شکل گیرد. توجه او به امکانات واژه‌سازی فارسی و تلاش برای برابرداری اصطلاحات زبان‌شناسی در رشد این علم در ایران نقشی اساسی داشت. این نکته نیز مهم است که در این راه او همواره به امکانات طبیعی و درونی زبان توجه داشت و نه، مثلاً، توسل به باستان‌گرایی یا معادل‌گذاری‌های غریب. او همواره معتقد بوده است که بدون فعال‌سازی نظام واژه‌سازی طبیعی فارسی امکان ایجاد زبان علمی و پیشرفت آن ممکن نیست. از همان نخستین مقالاتی که او نوشت و به‌ویژه کتاب‌هایی که ترجمه کرد این سلامت و طبیعی بودن در عین سلامت و نیز صراحت مشهود است. محمدرضا باطنی به این امر نیز توجه داشت که علم فقط برای علما نیست و زبان علمی باید بتواند در خدمت توسعه علمی جامعه نیز باشد. به گمان او علم باید بتواند از محوطه دانشگاه فراتر رود. این توجه و تعهد حاصل از آن موجب شد بکوشد مفاهیم تخصصی علمی را در قالبی همگان‌فهم بریزد و از این رهگذر نه تنها گروه وسیع‌تری از افراد جامعه را در یافته‌های علمی شریک کند، بلکه زبان این ارتباط علمی عمومی را ساده‌تر و روشن‌تر کند. این یکی از قابلیت‌های کم‌مانند آثار اوست که هم اهل فن و هم غیرمتخصصان

به سهم خود می‌توانند از آن‌ها بهره‌مند شوند.

زبان‌شناسی نوین علم مطالعه ساختار و کارکرد زبان‌های طبیعی است؛ اما زبان در همه ابعاد حیات انسانی، از ساختمان فیزیکی بدن تا کارکرد ذهن و زندگی اجتماعی، حضوری قطعی دارد. بدین جهت، زبان‌شناسی خیلی زود با عرصه علوم دیگری که با این ابعاد ارتباط دارند در آمیخت. ذهن نوجو و پرسشگر محمدرضا باطنی نمی‌توانست تعامل زبان‌شناسی با حوزه‌هایی نظیر زیست‌شناسی، روان‌شناسی، عصب‌شناسی یا منطق و مطالعات میان‌رشته‌ای حاصل از آن را نادیده بگیرد. در این کار نیز او پیشرو بود. نه تنها دست به ایراد سخنرانی و نوشتن مقالاتی در این زمینه‌ها زد، بلکه آن‌ها را به برنامه درسی گروه زبان‌شناسی نیز وارد ساخت. نخستین مقالات و ترجمه‌هایی که در این زمینه‌ها در زبان فارسی منتشر شد به قلم اوست.

بازنشستگی زودهنگام و فراغت از کار تدریس و برنامه‌ریزی درسی محمدرضا باطنی را به حوزه فرهنگ‌نویسی وارد کرد. باطنی فرهنگ‌نویس، در ۳۵ سال گذشته، همان نگاهی را به زبان و واژه‌های آن دارد که در دیگر کارهای علمی‌اش دیده می‌شود. به نظر او صراحت و دقت زبان علمی باید در شفافیت واژه‌های آن بازتاب یابد. برای رسیدن به این صراحت بهتر است تا آنجا که ممکن است هر مفهوم در یک لفظ متجلی شود و هر لفظ بر یک معنا دلالت کند تا مانع هر گونه ابهامی شود. فرهنگ‌نویسی محمدرضا باطنی ادامه پروژه‌ای است که او برای ایجاد یک زبان علمی برای فارسی در نیم قرن گذشته دنبال کرده است. هر چند چنین نگاهی به زبان و واژه‌ها می‌تواند مناقشه‌برانگیز باشد و مغایر روندهای طبیعی زبان قلمداد شود، او با اعتقاد و پشتکاری مثال‌زدنی آن را دنبال کرده است و معتقد است بدون آن زبان فارسی نمی‌تواند نقش تازه‌اش را در انتقال علوم مدرن بازی کند.

محمدرضا باطنی زبان‌شناس، در عین حال، یک عضو جامعه مدنی و شهروند نیز هست. او متفکری است حساس و هوشیار در برابر حوادثی که در اطراف او روی می‌دهد و تغییراتی که در جامعه حادث می‌شود. چنین کسی نمی‌تواند منتقد خود، محیط خود و جامعه خود نباشد. و او منتقدی سختگیر و صریح‌اللهجه است، با زبان و رفتاری بی‌تعارف، حتی اگر چنین رفتاری به زبان او تمام شود. در مباحثات درسی یا در انتقاد از یک اثر علمی یا در مخالفت با یک تصمیم فرهنگی یا سیاسی هرگز اهل مباحثات نبوده است.

به گمان من محمدرضا باطنی برای زبان فارسی و جامعه ایران سرمایه‌ای ملی بوده است. جایگاه او را در زبان‌شناسی، علم و زبان علمی فارسی می‌توان همچون جایگاه پدران و بنیانگذارانی دانست که مسیر یک جریان را تغییر می‌دهند و آن را برای همیشه به راه تازه‌ای هدایت می‌کنند.

تیرماه ۱۳۹۹



## استادم!

### کوروش صفوی

دلم نمی خواست این الگوی زندگی ام را سوم شخص قرار دهم و درباره تان بنویسم. هر بار که پیش رویتان قرار می گیرم، آن قدر برایم بزرگید که فقط دستتان را می بوسم و کنار می ایستم. هیچ گاه به هیچ کسی حسادت نکرده ام؛ ولی خودتان می دانید که همیشه به وجودتان رشک برده ام. و دلیل هایم نیز منطقی اند. معلمی را از شما آموختم. نوشتن را از شما آموختم. از شما یاد گرفتم که چگونه می توان در جای خود ایستاد و غرور را در خود سرکوب کرد. از شما آموختم که چگونه می توان ایستاد و بادبادک نبود. از شما آموختم که چگونه می شود باطنی بود و باطنی ماند. به شما حسادت می کنم. چهل سال است که کنارید و چهل سال است هر بار می پرسیم «برجسته ترین زبان شناسمان کیست» نام باطنی را به زبان می آورند و برای برجسته ترین های بعدی به فکر فرو می روند. چهل سال است که همیشه عاشقتان بوده ام و تلاش کرده ام ادای شما را در بیاورم. تمامی پارادوکس های وجودتان را می شناسم. ظاهری جدی در باطنی رها از جدیت. ظاهری خشن در باطنی دور از خشونت. و نیز ظاهری که به گفته خودتان تابع اتفاقات بوده است، و در باطن هیچ اتفاق و تصادفی را نمی نمایاند.

استادم!

دلم می خواست روزها بنشینم و برایتان از خاطراتم بگویم. خاطراتم پر از همان اتفاق ها و تصادف هاست و خنده ام می گیرد که هیچ کدام را به حساب اتفاق و تصادف نمی گذارم. دلیلش هم برایم معلوم است. همیشه دلم می خواست ادای شما را در بیاورم. می لرزیدم و می ایستادم. آن هم وقتی می دیدم هیچ گاه نلرزیدید.

استادم!

دکتر باطنی بودن خیلی خوب است، مگر نه؟ «زال» شاهنامه بودن، خیلی خوب است، مگر نه؟ کسی که هیچ‌گاه اشتباه نمی‌کند. می‌دانم که سیمرغان همیشه نگهبانان بود. دست این سیمرغ را می‌بوسم. اگر حضور این بانورا هم به حساب اتفاق و تصادف می‌گذارید، از ته دل می‌گویم که زندگی‌تان پر از اتفاق‌های خوب است.

استادم!

خوشحالم که قرار نیست حرف دلم را رویه‌رویتان بگویم. هر بار که حرفی درباره‌تان زده‌ام، بعد اخم کرده‌اید و گفته‌اید که مزخرف نگویم؛ ولی آنچه شما بی‌ارزش و پوچ می‌دانید، تعبیری است که من از آسمان دارم. در چند سالی که برایمان معلمی کردید، کم‌شاگرد نداشتید. امروز تمام آن شاگردها، معلم‌اند. همه‌شان را نتوانستید مانند خودتان تحویل دهید. خلق و خویمان فرق می‌کند. لابد از شما الگو نگرفته‌اند؛ ولی همان‌هایی را که دوست دارم و برایشان احترام قائلم، همان‌هایی‌اند که مانند شما شده‌اند. آزاد، رها از تمامی پله‌ها، فقط معلم؛ و ایستاده!

استادم!

یادمان داده‌اید که علم کبر نمی‌آورد. انسان بودن مهم است و بس. می‌دانم که با تقلید از شما، حتی به نیمه‌این راه نرسیده‌ام. همیشه برایم زال بی‌اشتباهی بوده‌اید که هزار پله بالاتر، به روی سکوی معرفت نشسته است. نفسم بند آمده است. پله‌ها تمامی ندارند. تنها می‌ماند که از همین پایین پایین دستتان را ببوسم که همیشه الگو بوده‌اید.

استادم!

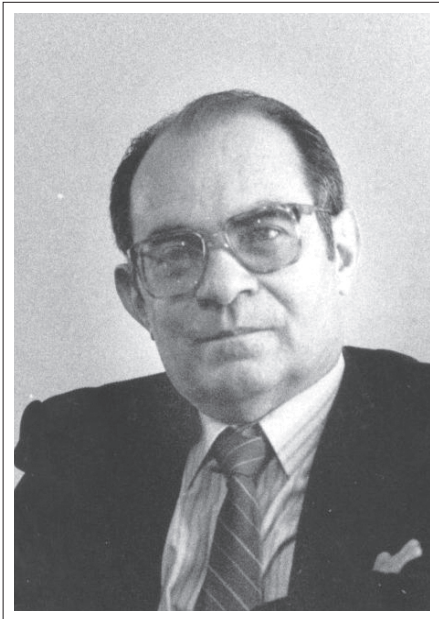
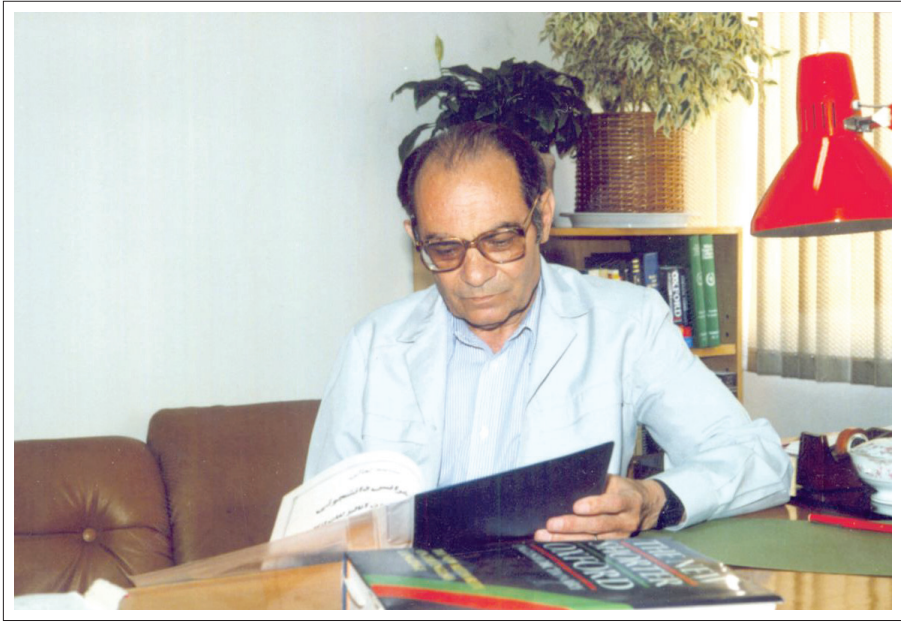
در این کتابچه و به افتخار حضورتان، تمام حرف‌ها را می‌گویند. از دانش و معرفتتان، از اتفاق‌های زندگی‌تان، و از دکتر باطنی بودن‌تان. من به این‌ها کاری ندارم. برایم اسطوره‌ای مهم است که روایتش پر از مهربانی است.



---

چند عکس از دکتر محمدرضا باطنی

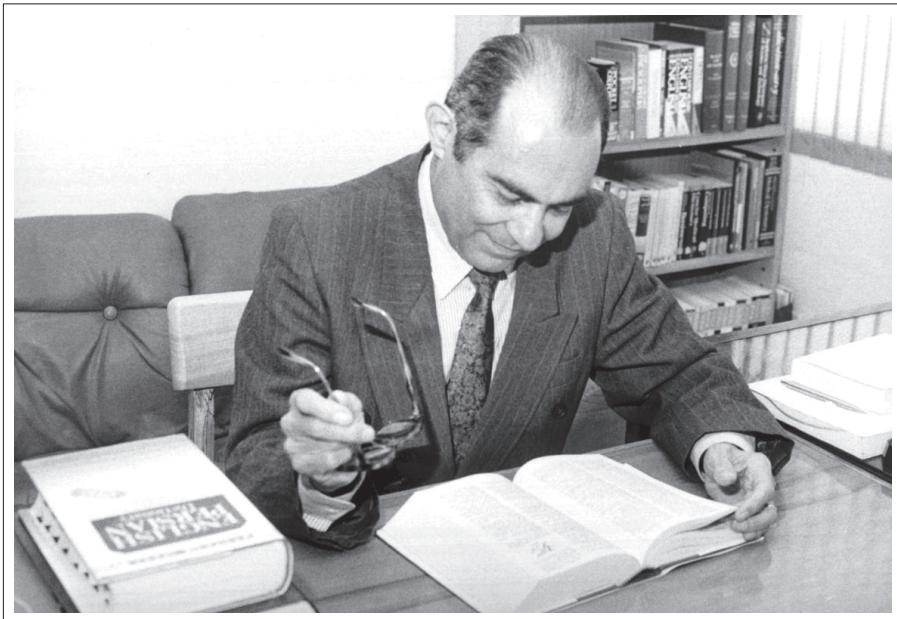
---





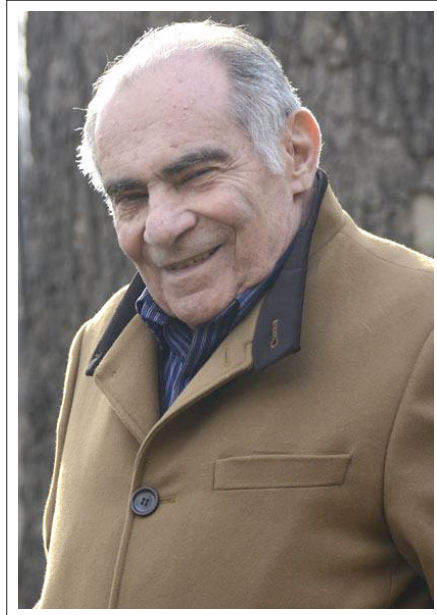
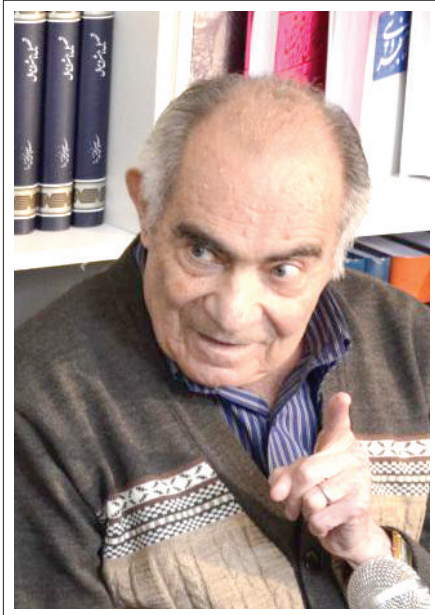


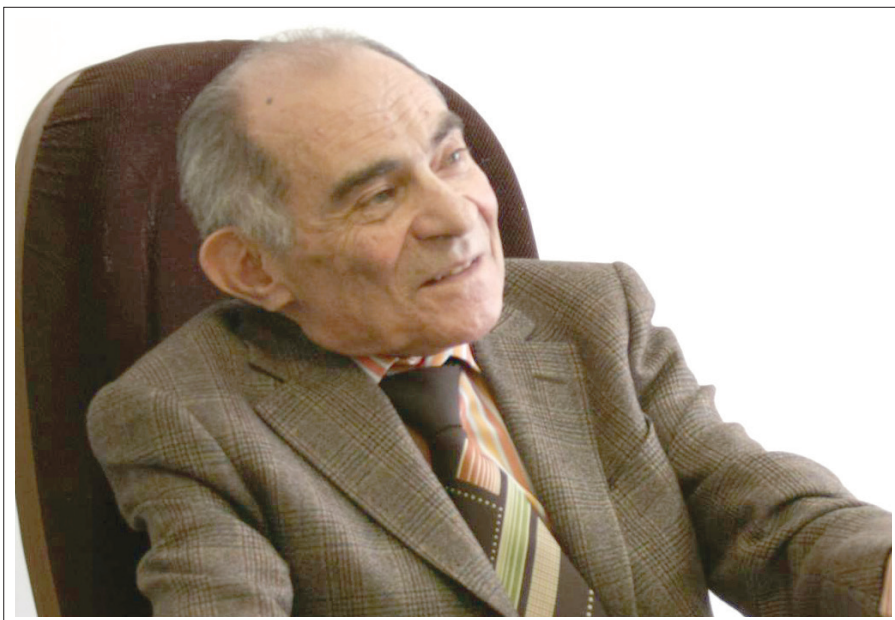
محمد رضا باطنی، رضا نیلی پور، علی اشرف صادقی (منزل دکتر باطنی، ۱۳۸۱)





احمد سمیعی، ضیاءالدین سجادی، محمدرضا باطنی، علی اشرف صادقی، علی محمد حق شناس، رضا سید حسینی (۱۳۸۱)







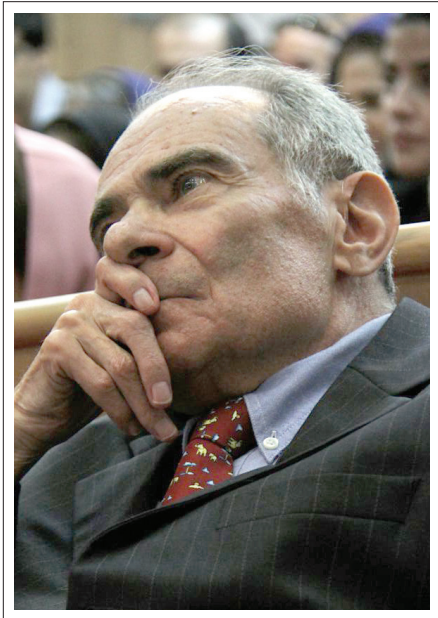
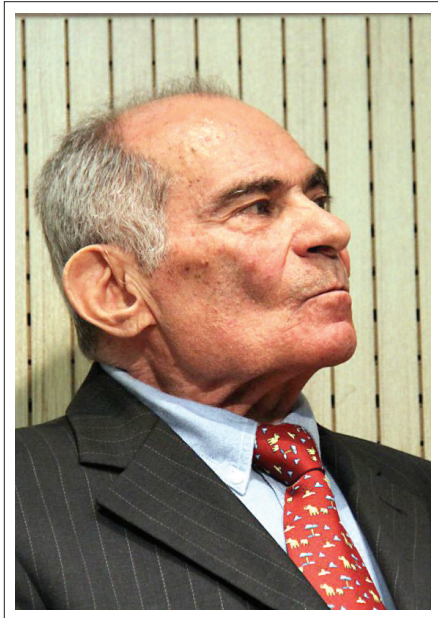
محمدرضا شفیعی کدکنی، محمدرضا باطنی (کانون زبان پارسی، ۲۴ بهمن ماه ۱۳۹۲)

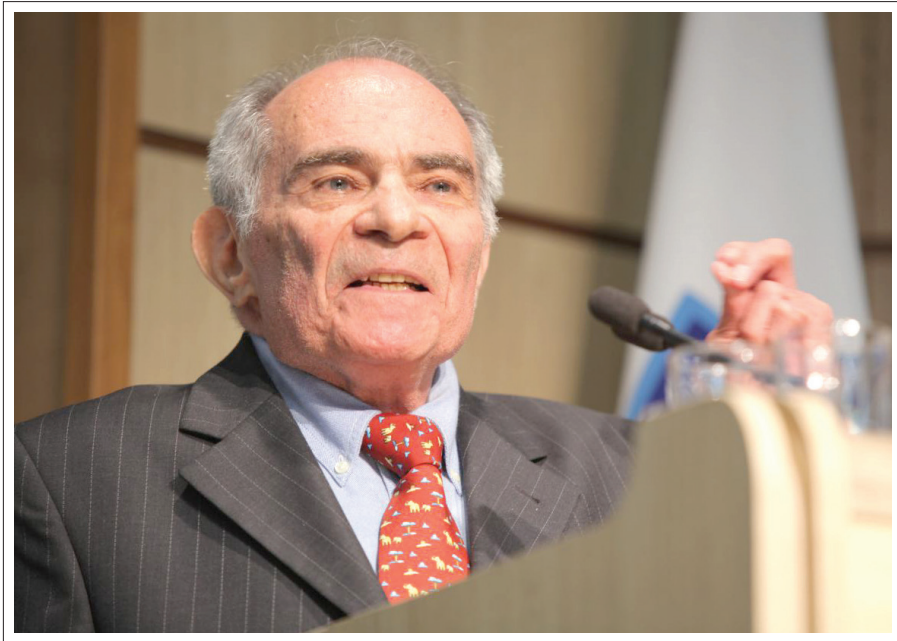
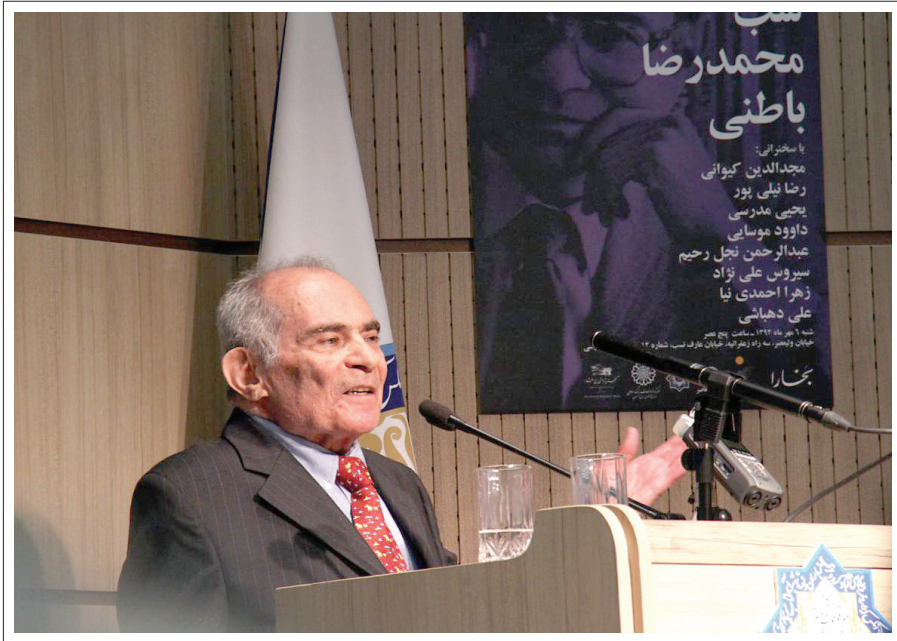


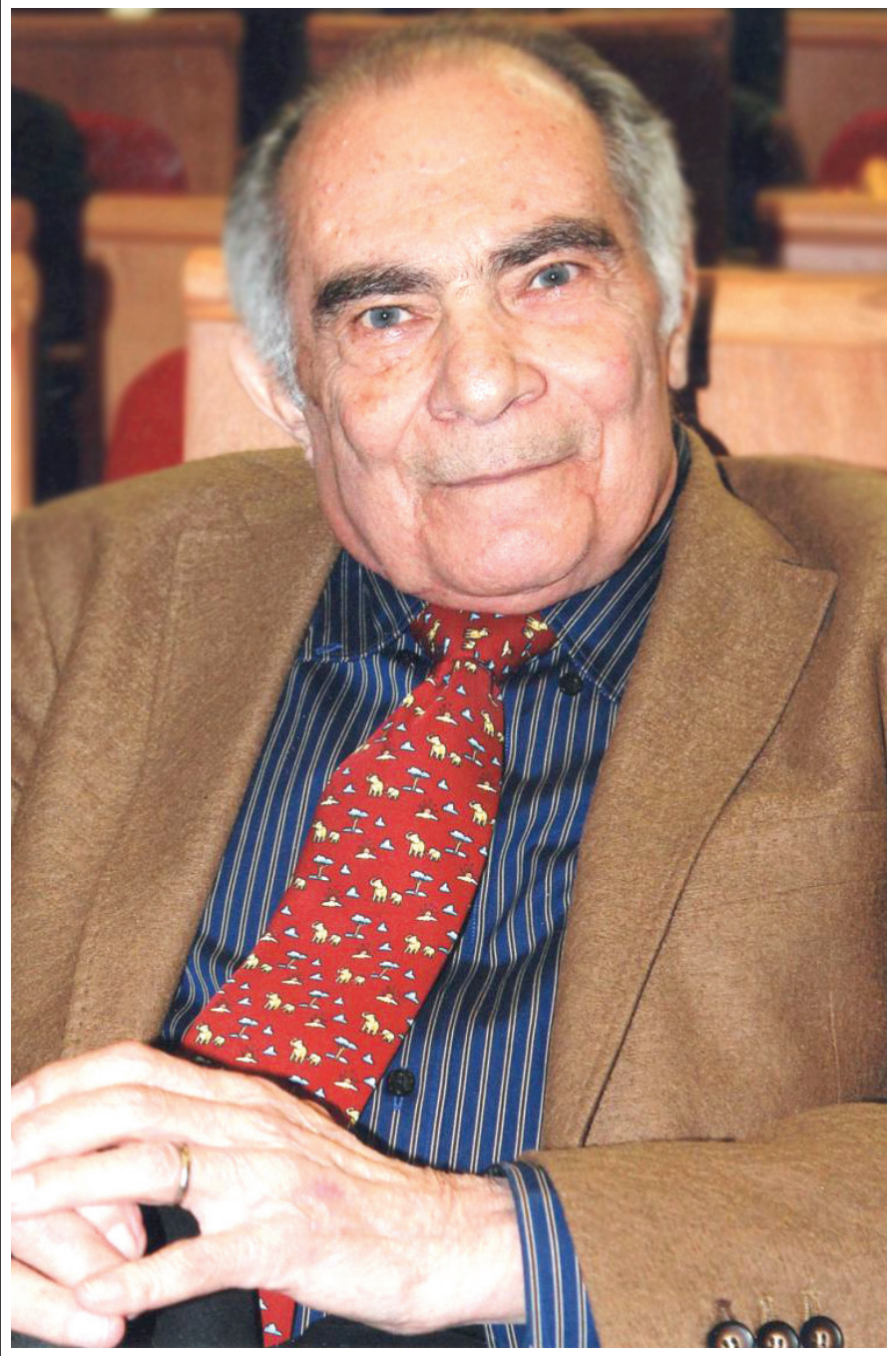
محمد افشین وفایی، محمدرضا باطنی، علی دهباشی (باغ موقوفات دکتر محمود افشار یزدی)



محمد رضا باطنی، ژاله آموزگار (کانون زبان پارسی)











## Recipients and Dates of the Awards

1. 1989 Dec. 19 Nazir Ahmad India: Aligarh University
2. 1990 Dec. 19 Gholamhossein Yousefi Iran: Ferdowsi University (Mashhad)
3. 1990 Oct. 23 Amin Abdolmajid Badawi Egypt: Ein al-Shams University (Cairo)
4. 1991 Dec. 19 Mohammad Dabirsiyaghi Iran: Dehkhoda Institute (Tehran)
5. 1991 Dec. 19 Zohuruddin Ahmad Pakistan: Punjab University
6. 1998 May 2 Zhang Hong-nein China: Peking University
7. 1997 Mar. 13 Kamaluddin Aini Tajikistan: Tajikistan Academy of Science
8. 2001 Mar. 1 Manuchehr Sotoudeh Iran: University of Tehran
9. 2001 Oct. 6 Clifford Edmund Bosworth England: Manchester University
10. 2003 Sep. 15 Abdolhossein Zarrinkoub Iran: University of Tehran
11. 2003 Sep. 15 Fereydoun Moshiri Iran: Prominent Persian poet
12. 2003 Nov. 22 Tsuneo Kuroyanagi Japan: Tokyo University
13. 2004 June 22 Richard Nelson Frye United States: Harvard University
14. 2006 May 31 Hans de Bruijn Holland: University of Leiden
15. 2006 Dec. 19 Najib Mayel Heravi Afghanistan: Researcher and editor
16. 2007 June 20 Charles-Henri de Fouchecour France: University of Paris III
17. 2008 Dec. 28 Badrozzaman Gharib Iran: University of Tehran
18. 2010 June 10 Bert G. Fragner Austria: Institut für Iranistik (Wien)
19. 2011 May 12 Ahmad Monzavi Iran: Cataloguer
20. 2011 Dec. 3 Angelo Michele Piemontese Italy: University of Rome
21. 2013 Dec. 19 Ahmad Eghtedari Iran: Scholar
22. 2014 Dec. 19 Mohammad Ali Movahhed Iran: Scholar
23. 2016 Oct. 1 Amir Houshang Ebtehaj (Sayeh) Iran: Prominent Persian poet
24. 2017 July 4 Gilbert Lazard France: University of Paris III
25. 2018 June 19 Ali Ashraf Sadeghi Iran: University of Tehran
26. 2019 June 14 Youshifusa Seki Japan: Tokai University
27. 2020 Oct. 9 Mohammad reza Bateni Iran: University of Tehran

## **Provisions Concerning Literary and Historical Awards**

### **Article 34 of the first endowment document**

Should there be a considerable increase in the income of the Foundation, the endower or the endowment's board of trustees may use some of the funds as prizes to encourage scholars, researchers, authors, and poets in their works – particularly those who have published their works in the journal, *Ayandeh*. Devoting part of the income of the foundation to award such authors and poets who take part in, and succeed in literary competitions encourages them to compose works of a nationalist and social character. Management of such affairs is the responsibility of the endower during his lifetime. He will carry out this duty in consultation with experts of his acquaintance. Following his death, this task is assigned to a panel of six of which two thirds may be member of the board of trustees of the endowment, and one third may be members of the editorial board of the *Ayandeh* publishing firm, or alternatively, may be chosen from among individuals who are selected by these two entities.

### **Article 5 of the fifth endowment document**

Due to the dissolution of the *Ayandeh* publishing firm, all the rights and duties that were assigned to it with respect to the dispersing of awards in article 34 of the first endowment document (dated Dey 1337/ January 1959), are hereby transferred to the endower and to the board of trustees, who may rely on the advice of experts in the field.

### **Endower's note**

Awards: Awards that are administered by this endowment are, like its other affairs, geared to its primary goal of promoting national unity through support of the Persian language. In other words, books, treatises, articles, and poems that may be composed with this goal in mind, be they in Persian or in other languages, and be they authored by Iranians or other nationals, in Iran or abroad, qualify for nomination. A set of rules and regulations should be prepared for this purpose. I briefly list the principles features of these rules ... .

**Dr. Mahmoud Afshar**

Gras, 4 August 1978



Literary and Historical Award of  
Dr. Mahmoud Afshar Yazdi's Foundation

**Mohammad Reza Bateni**



Friday, 9 October 2020

---

Dr. Mahmoud Afshar Yazdi's Foundation – Persian Language Center